کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

کشاورزان و کارگران کشاورزی از وضعیت معیشتی خود ناراضی‌اند ص ۴
گرانیِ دارو در سایهٔ جنگ، محاصرهٔ اقتصادی، و برنامهٔ "آزادسازیِ قیمت"ها ص ۴
روز جهانی صلح را گرامی بداریم! ص ۵
غرفهٔ «نامهٔ مردم »در فستیوال‌های «اومانیته» و «ندای مردم» ص ۷
خیزشِ مهارپذیرِ یک حزب فاشیست در آلمان ص ۹
سیلاب‌های ویرانگر برای دومین بار نپال را دربر گرفتند ص ۱۰

«مبارزه راهِ پیروزی است»
سخنرانی پائولو رایموندو، دبیرکل حزب کمونیست پرتغال ص ۱۲

شمارهٔ ۱۲۶۹، ۳۰ شهریور ۱۴۰۵ دوره دهم، سال چهل و دوم - انتشار اولین شمارهٔ نشریهٔ ارگان ۱۲ بهمن ۱۳۲۰

ایران گرفتار در چنگال تحریم‌های ضدّانسانی امپریالیسم آمریکا، تشدید سرکوب داخلی، و خطر آغاز دوبارهٔ جنگ

مردم ایران امروز در یکی از دشوارترین دوره‌های چند دههٔ اخیر زندگی می‌کنند. فشار اقتصادی، تورم سنگین، سقوط قدرت خرید، کمبود و گرانی دارو، و دشواری‌های روزافزون در برقراری ارتباط اقتصادی و حمل‌ونقل با جهان زندگی میلیون‌ها نفر را تحت تأثیر قرار داده است. هم‌زمان، خطر از سرگیری جنگ در ابعادی وسیع‌تر همچنان بالای سر کشور قرار دارد. در چنین شرایطی، مهم‌ترین موضوع پاسخ به این سوال است که چگونه می‌توان از استقلال و حاکمیت ملی ایران دفاع کرد و در همان حال راه را برای پایان دادن به جنگ و محاصرهٔ اقتصادی و سیاست‌هایی باز کرد که به پایان یافتن درگیری کمک می‌کند.

حکومت جمهوری اسلامی وارد مرحلهٔ جدیدی برای تصمیم‌گیری در مورد آیندهٔ »نظام سیاسی «حاکم شده است. در درون حکومت، دربارهٔ اینکه »چه باید کرد«، به‌خصوص پس از ترور خامنه‌ای، اختلاف‌نظرهای جدّی دیده می‌شود. بخشی در حکومت خواهان نوعی دستیابی به توافق با آمریکا از طریق دیپلماتیک است. این نیروها نگران از شروع گسترده اعتراض‌های مردمی در پی بحران‌های عمیق اقتصادی هستند. و بخشی دیگر در این توهّم است که با تاب‌آوری در برابر وضع موجود، بسته نگه داشتن تنگهٔ هرمز، و ضربه زدن به اقتصاد جهانی، می‌توان هم آمریکا را شکست داد و هم اعتراض‌های مردمی ناشی از وخامت اوضاع اقتصادی کشور را مهار و سرکوب کرد.

واقعیت آن است که اکثریت مردم ایران خواهان حفظ استقلال و صلح و داشتن زندگی شایسته‌اند، اما در عمل مجرایی برای طرح و تحقق خواست‌هایشان وجود ندارد. حتی ابراز اعتراض به مشکلات و بحران‌های ناشی از سیاست‌های ویرانگر و نولیبرالی رژیم که بر شانهٔ زحمتکشان سنگینی می‌کند به‌منزلهٔ تضعیف کشور در برابر دشمن تعبیر می‌شود. گسترهٔ بحران اقتصادی را بیش از هر جا می‌توان در فاصلهٔ میان درآمد و هزینهٔ زندگی مشاهده کرد. بر اساس برآوردی که در تابستان امسال بر اساس آمار رسمی و هزینهٔ مواد غذایی منتشر شد، حداقل هزینهٔ ماهانهٔ زندگی یک خانوار متوسط کارگری در پایان تیرماه حدود ۹۰٫۶میلیون تومان بود. در مقابل، مجموع حقوق و مزایای یک کارگر متأهل دارای یک فرزند حدود ۲۴٫۹میلیون تومان است. به عبارت دیگر، با چنین درآمدی تنها اندکی بیش از یک‌چهارم سبد معیشت تأمین می‌شود.

این اعداد صرفاً آمار ادامه در صفحه ۶

اعلامیهٔ حزب تودهٔ ایران به‌مناسبت چهارمین سالگرد خیزشِ «زن، زندگی، آزادی»: مبارزه برای آزادی، عدالت اجتماعی، و رهایی زنان از زنجیرهای استبداد قرون‌وسطایی، برای برقراریِ صلح و حفظ حاکمیتِ ملی در مقابل تجاوزِ خارجی همچنان ادامه دارد!

هم‌میهنان گرامی!

۲۵ شهریورماه ۱۴۰۵ با چهارمین سالگرد خیزشِ مردمیِ "زن، زندگی، آزادی" مصادف است. چهار سال پیش، قتل "مهسا امینی" به‌دست مزدوران "گشت ارشاد" حکومت جمهوری اسلامی و فشارهای وارد شده از سوی دستگاه‌های امنیتی و سران رژیم به‌منظور پنهان نگه داشتن این جنایت هولناک اعتراض‌های گستردهٔ خیابانی در سراسر ایران با پیشتازی زنان دلیر و جوانان کشور را زمینه‌ساز شد. اگر چه رژیم سرکوبگر و ضدمردمی ولایت فقیه با استفاده از کشتارِ مردم معترض در خیابان‌ها، دستگیریِ هزاران زن و جوان آزادی‌خواه، شکنجه‌های وحشیانه، و صدور حکم‌های اعدام، توانست شعله‌های ادامه در صفحه ۳

جنگ تحمیلی و حقوق ناچیز زحمتکشان و هزینه‌های بی‌سابقه معیشت و درمان

بعد از غارت اموال ملی و تقریباً تمام صندوق‌های بازنشستگی زحمتکشان، رژیم ولایت فقیه با پیش‌برد سیاست اقتصادی خشن نولیبرالی شرایط معیشتی اسفباری را به زحمتکشان شاغل و بازنشسته تحمیل کرده است. به‌رغم سرکوب و کشتن هزاران معترض جان‌به‌لب رسیده توسط نیروهای امنیتی رژیم در دی‌ماه ۱۴۰۴، در تجمع‌های اعتراضی خود زحمتکشان خواستار برقراری صلحی پایدار و توقف اعدام‌ها هستند.

علاوه بر تحمیل شوک قیمت بنزین ده هزار تومانی به زحمتکشان کشور، ۲۳ شهریورماه خبرگزاری ایلنا از افزایش نرخ دلار به ۲۳۵ هزار تومان و همچنین افزایش دوباره و غیر رسمی "قیمت نان در سطح شهر تهران" گزارش داد. مطابق گزارش ۲۶ مردادماه ایلنا، سبد معیشت حداقلی خانواده متوسط ۳٫۳ نفره کارگری ۹۰ میلیون تومان در ماه است. گزارش همچنین افزود: "قیمت یک سبد مشخص از خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها... در تیرماه امسال به نسبت تیرماه سال قبل، ۲٫۸ برابر شده است... گوشت، مرغ، تخم مرغ، حبوبات، برنج، و حتی 'نان' از نردبان تورم صعود کرده‌اند و برای عامه‌ی مردم... به یک دغدغه‌ی جدی تبدیل شده‌اند." مرکز آمار ایران تازه‌ترین داده‌های تورم نقطه‌به‌نقطه کل کشور برای خرداد و تیرماه سال جاری را به ترتیب ۸۸٫۶ درصد و ۸۷٫۹ درصد اعلام کرد. در یک سال در گروه خوراکی‌ها: روغن و چربی‌ها ۲۶۱٫۵ درصد (بیش از ۳٫۵ برابر شدن قیمت‌شان)؛ لبنیات، شیر، و تخم‌مرغ ۱۴۷٫۱ درصد؛ نان و غلات ۱۱۶٫۷ درصد؛ و میوه و خشکبار ۱۱۵٫۴ درصد افزایش قیمت ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک!

ادامهٔ جنگ تحمیلی و حقوق ناچیز زحمتکشان ...

داشته‌اند. آلبرت بغزیان، استاد اقتصاد دانشگاه تهران در مورد افزایش قیمت بنزین در گفتگویی با ایلنا، ۱۸مردادماه، گفته بود: "اقتصاد امروز ما مانند بیماری است که دچار خون‌ریزی شدید شده است. در شرایطی دستمزدها با هزینه‌های واقعی فرسنگ‌ها فاصله دارند، وارد کردن شوک بنزینی به معنای وارد کردن یک ضربه مهلک به معیشت و ساختار بازار کار است." خوراک، پوشاک، و مسکن؛ سه نیاز بنیادین و حداقلی برای انسان است. سهم مسکن در سبد هزینه خانوارهای شهری به ۶۰ تا ۷۰ درصد افزایش یافته است. در یک چنین شرایطی اخیراً شهرداری تهران طرح "خانه ریز" یا فروش مسکن سانتی متری را در دستور کار قرار داده است. در این مورد ۳۱ مردادماه مصطفی شریف، استاد اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، با تاکید بر اینکه "چه کسانی پشت این قضیه قرار دارند؟" گفت: "در این‌گونه فعالیت‌های اقتصادی، نگرانی اصلی شفاف نبودن فرآیندهای پشت پرده و مبهم بودن نتیجه‌ی نهایی است." شریف افزود: "طرح 'خانه ریز' عملاً ابزاری برای نوسان‌گیری دلالان از زمین‌های شهری است."

در چنین شرایطی دستمزد کارگران شاغل با تمام مزایا مانند حق مسکن، بن کارگری، حق عائله‌مندی و حق اولاد و غیره حدود ۲۳ میلیون تومان در ماه است؛ و بعد از سه ماه تاخیر، ۱۷ خردادماه مدیرعامل سابق تامین اجتماعی مصطفی سالاری، میانگین مستمری بازنشستگان کارگری با نیازهای شدید معیشتی و دارو و درمان و حداقل کرایه منزل ده میلیون تومان در ماه را ۱۷ میلیون تومان در ماه اعلام کرد. افزایش مستمری فروردین و اردیبهشت‌ماه بازنشستگان تامین اجتماعی ۵ ماه پرداخت نشد؛ و بعد از ۵ ماه، افزایش مستمری فروردین‌ماه به صورت قطره‌چکانی پرداخت شده و برای افزایش مستمری اردیبهشت‌ماه وزیر کار صراحتاً می‌گوید منابع نداریم. ۲۲ مرداد رسانه‌های کشور از برکنار شدن سالاری خبر دادند؛ در این مورد ۱۶ شهریور حتا عیدعلی کریمی، دبیر اجرایی خانه کارگر استان قزوین، گفت: "با عزل یک‌ساعته مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی مشکلی حل نمی‌شود؛ این کارها صرفاً پاک کردن صورت مسئله است." کریمی همچنین افزود: "آیا فرد جدیدی که منصوب شده، اصلاً توان انجام این کار و تامین منابع را دارد؟ فردا او هم شانه خالی می‌کند و می‌گوید پرداخت حقوق مناسب در توان من نیست." در شرایط اسفبار معیشتی زحمتکشان، درحالی‌که قرار بود در شهریورماه دستمزد کارگران ترمیم شود، ۱۷ شهریورماه با اشاره به گفته‌های وزیر کار احمد میدری، محسن باقری، عضو به اصطلاح کارگری شورای عالی کار گفت: "برنامه‌ای برای افزایش یا ترمیم دستمزد وجود ندارد." پزشکیان و وزیر کار او میدی، ۲۳ شهریورماه نشست به اصطلاح "صمیمی" با رهبران تشکل زرد "کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی" داشتند. به‌رغم گروگان‌گیری هزاران زندانی سیاسی و بازداشت شدگان اعتراض‌های دی‌ماه ۱۴۰۴، پزشکیان از "وحدت و انسجام" صحبت کرد؛ و میدری گفت: "براساس مطالعاتی که انجام داده‌ایم، مستمری بازنشستگان تکافو نمی‌کند." البته اشاره‌ای به افزایش مستمری‌ها نکردند. بر اساس گزارش ۲۳ شهریورماه ایلنا، وزرای اقتصادی دولت پزشکیان، دوباره با "کاهش و حذف ارز ترجیحی" دارو، موجب افزایش برخی اقلام دارویی مانند انسولین "تا ۵۰ درصد" فقط طی یک سی روز اخیر و گذشتن مطالبات "داروخانه‌ها از مرز ۷۷ هزار میلیارد تومان" شده‌اند. با تاکید بر اینکه "اوضاع فاجعه بار است"، ۱۰ مردادماه علی ترکاشوند، رئیس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی شهرری، گفته بود: "باور ما این است که روی داروخانه‌های طرف قرارداد و غیرطرف قرارداد، دیگر نظارت خاصی وجود ندارد و این مراکز بنابر تمایل خود فعالیت می کنند و قیمت‌گذاری‌ها از دست در رفته است. آنچه ما مشاهده کردیم، این است که بیماران فقیر باتوجه به شرایط اقتصادی بیشتر شده‌اند و در این شرایط، گرانی دارو بسیاری را از ادامه درمان ناامید کرده است."

غارت اندوخته‌های کارگران و بازنشستگان

رژیم ولایی اندوخته‌های کارگران و بازنشستگان در سازمان تامین اجتماعی را غارت کرده است، و درحالی‌که تامین اجتماعی قادر به پرداخت مستمری بازنشستگان نیست، رژیم حتا پرداخت بخشی از هفت تریلیون تومان بدهی خود به تامین اجتماعی را در نظر ندارد. اکنون به نظر می‌رسد دولت پزشکیان مسئولیت غارت باقیمانده اموال تامین اجتماعی را به‌عهده گرفته است. بعد از عزل سالاری از سوی وزیر کار میدری، دولت به بهانه نداشتن نقدینگی فشار به سازمان تامین اجتماعی برای واگذاری پالایشگاه "لاوان" و هتل‌های "هما" برای پرداخت مستمری بازنشستگان را افزایش داده است. در این مورد ۵ شهریورماه عضو پیشین هیات امنای سازمان تامین اجتماعی، اکبر شوکت، گفت: "مطالبات امسال ما نزدیک به ۴۰۰ هزار میلیارد تومان است و دولت تکلیف قانونی به پرداخت آن دارد. این بهترین بدیل و جایگزین برای واگذاری اموال تامین اجتماعی به بانک رفاه است." در این مورد ۱۶ شهریور عیدعلی کریمی گفت: "وقتی بازنشستگان برای دریافت حقوق خود فشار می‌آورند، به جای حل ریشه‌ای مسئله... زمزمه فروش شستا به میان می‌آید. شستا مال کیست که می‌خواهید آن را بفروشید؟ مگر شستا شرکتی دولتی است؟ شستا یک سرمایه‌گذاری کاملاً خصوصی است که با حق بیمه‌های من کارگر در طول سی سال کار و زحمت ایجاد شده است. شستا اموال مولدسازی دولت نیست که بتوان آن را به تاراج برد."

بر اساس قانون الزام تامین اجتماعی، هزینه درمان بیمه‌شدگان و بازنشستگان صفر تا صد باید رایگان باشد. هر سال سازمان تامین اجتماعی ارائه تعدادی به اصطلاح "وام ضروری" را اعلام می‌کند و اکثر بازنشستگان این وام را برای نیازهای درمان خود استفاده می‌کنند. بازنشستگان تامین اجتماعی ۲۱ شهریورماه پیامکی در مورد وام دریافت کردند که از آن‌ها خواسته شده بود "حداقل ۳۰۰ هزار تومان" در حساب حقوق و مستمری خود برای "پرداخت هزینه‌های مربوط به تمبر و بیمه وام" نزد بانک رفاه کارگران نگهداری کنند. جالب این جاست که پیامک به بازنشستگان هشدار داده بود که به پیامک پاسخ ندهند، چرا که "پاسخ دادن به این پیامک به منزله انصراف از دریافت تسهیلات خواهد بود." علاوه بر اعتراض به شرایط معیشتی و هزینه‌های لگام‌گسیخته درمان، اخیراً بازنشستگان در تجمع‌های اعتراضی خود به ادامه جنگ نیز اعتراض می‌کنند و خواهان برقراری صلحی پایدار هستند. به عنوان نمونه‌هایی در ۱۸ مردادماه، در شوش بازنشستگان تامین اجتماعی شوش، کرخه، و هفت‌تپه شعار می‌دادند: "ما دیگه جنگ نمی‌خوایم، وعدهٔ صادق نمی‌خوایم"، "نه پول داریم نه نونی، لعنت بر این گرونی"، و "بیت‌المال و خزانه، جولانگاه دزدانه." همان روز ۱۸ مردادماه بازنشستگان در اهواز شعار می‌دادند: "جنگ‌افروزی کافیه، سفرهٔ ما خالیه". همچنین همان ۱۸ مرداد بازنشستگان در تجمع اعتراضی خود در کرمانشاه شعار می‌دادند: "تورم، گرانی؛ نه به جنگ و ویرانی". درصورتی‌که در مورد جنگ، ۱۱ شهریور وزیر کار میدری گفت: "فشارهای اقتصادی می‌تواند به شکوفایی ظرفیت‌های نهفته در اقتصاد ایران منجر شود"؛ میدری ۲۳ شهریورماه همچنین گفت: "با وجود همه این شرایط اما، تسلیم‌ناپذیریم؛ جنگ را بلدیم."

مبارزه ادامه دارد

از اول شهریورماه سال جاری اعتراض‌های دانشجویی گسترده‌ای در سطح کشور شکل گرفت. در واکنش به اعتراض‌های دانشجویی، احکام انظباتی و حتا حکم اخراج دانشجو صادر شد. در حمایت از دانشجویان، جمعی از اساتید دانشگاه صنعتی شریف به عملکرد معاونت دانشجویی دانشگاه اعتراض کرده‌اند. در بیانیه‌ای اول شهریورماه، ۳۶ عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی شریف "اوج این مدیریت غیرحرفه‌ای [را] در عملکرد شورای انضباطی بدوی و صدور احکام بی‌سابقه برای تعدادی از دانشجویان شرکت‌کننده در اعتراضات اسفندماه" اعلام کردند. همچنین در سال‌های اخیر، کارگران و بازنشستگان شرکت مخابرات مبارزه قابل تحسینی را به‌پیش برده‌اند. دوم شهریورماه، شورای عالی هماهنگی تشکل‌های کارگری شرکت مخابرات ایران با صدور بیانیه‌ای رسمی "ضمن حمایت از خواسته‌های بازنشستگان، بر ضرورت اجرای تعهدات قانونی شرکت مخابرات در قبال نیروی انسانی شاغل و بازنشسته تأکید کرد." در تجمع‌های اعتراضی خود در چند استان، بازنشستگان مخابرات ۲۳ شهریورماه شعار می‌دادند: "دیگه نگید نداریم، خسته از این شعاریم". نیروهای شرکتی مخابرات مازندران در سال‌های اخیر مبارزه‌ای پیگیر و قابل تحسین برای حذف شرکت‌های پیمانکاری خودی شرکت مخابرات به‌پیش برده‌اند. روز سوم شهریورماه، این کارگران متخصص بخش فنی که بین ۲۰ تا ۲۸ سال از عمر خود را در این شرکت گذرانده‌اند، در واکنش به "اولتیماتوم 'حجمی‌سازی اجباری' و 'اخراج پنهان'" شرکت مخابرات برای بستن قرارداد با پیمانکاران خُرد محلی اعلام کردند: "این قرارداد وضعیت شغلی و درآمدی" ما را از پیش بدتر خواهد کرد. این کارگران اعلام کردند: "دیگر زیر بار قراردادهای واسطه‌ای نمی‌رویم."

کارگزاران رژیم ضدمردمی ولایت فقیه منابع ملی و تقریباً تمام صندوق‌های بازنشستگی را غارت کرده‌اند و اکنون هزاران کارگر اخراج شده و بیکار حتا از دریافت مبلغ ناچیز بیمه بیکاری محروم هستند. با سازماندهی و در صفی متحد، مانند بازنشستگان و کارگران شرکت مخابرات و دانشجویان مبارز، می‌توان خاتمه جنگ و بر قراری صلحی پایدار را به رژیم فاسد ولایت فقیه تحمیل کنند.

ادامهٔ اعلامیهٔ حزب تودهٔ ایران ...

آتش خیزشِ "زن، زندگی، آزادی" را تا حدی فرونشاند، ولی برخلاف تصور سران رژیم روندِ جنبشِ اعتراضی مردم نه تنها اساساً متوقف نشد، بلکه عمق بیشتری یافت. در دی‌ماه ۱۴۰۴ خیزشِ بزرگ مردمی‌ای در سراسر ایران را شاهد بودیم که بنابر گزارش "هیئت حقیقت‌یاب" سازمان ملل متحد، رژیم ولایت فقیه برای کنترل این خیزش اعتراضی به ارتکاب "جنایت علیه بشریت" دست زده است. در این گزارش از جمله می‌خوانیم: "دلایل معقولی وجود دارد که نشان می‌دهد مقام‌های جمهوری اسلامی در جریان برخورد با معترضان، حمله‌ای گسترده و سازمان‌یافته علیه غیرنظامیان انجام داده‌اند که قتل‌های غیرقانونی، شکنجه، بازداشت‌های خودسرانه، ناپدیدسازی اجباری، و محدودیت‌های شدید آزادی بیان را شامل می‌شود و برخی از این اقدام‌ها در حد جنایت علیه بشریت بوده است."

در روند خیزشِ "زن، زندگی، آزادی" و همچنین اعتراض‌های مردمیِ دی‌ماه ۱۴۰۴ نیروهای مزدور امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار اسرائیل خصوصاً سلطنت‌طلبان و رسانه‌های امپریالیستی مانند برنامه‌های فارسی "بی‌بی‌سی"، "صدای آمریکا"، "رادیو اسرائیل"، "ایران‌انترنشنال"، و هزاران کانال ایجاد شده در "شبکه‌های اجتماعی" توسط "موساد" و "سیا" با تبلیغات گسترده و دروغ‌پردازی‌های‌شان تلاش کردند تا بازگشت سلطنت پهلوی مزدور به ایران را به‌منزلهٔ جایگزین جدی حکومت جمهوری اسلامی به مردم ایران تحمیل کنند و درعین‌حال فرصتی مناسب برای رژیم ولایت فقیه و هوادارانش فراهم آورند تا جنبشی که از درون اعتراض‌های گستردهٔ میهن ما شکل گرفته است وابسته نشان دهند و اعتراض‌های مردمِ جان‌به‌لب رسیده را "توطئهٔ خارجی" بنامند.

هم‌میهنان گرامی!

امسال چهارمین سالگرد خیزشِ "زن، زندگی، آزادی" در حالی فرا می‌رسد که میهن ما با اوضاع‌واحوال بسیار دشوار اقتصادی و ادامهٔ خطرِ جنگ و تجاوزِ خارجی روبه‌رو است. دویست روز پس از تجاوز جنایتکارانهٔ امپریالیسم آمریکا و رژیم صهیونیستی، نتانیاهو، به ایران و کشتار هزاران تن از هم‌میهنان‌مان و وارد کردن خسارت‌های اقتصادیِ صدها میلیارد دلاری، ده‌ها میلیون ایرانی همچنان با وضعیت بسیار دشوار اقتصادی برای تأمین حداقل‌های زندگی‌شان دست‌وپنجه نرم می‌کنند و رژیم نیز با اِعمالِ سیاست‌های سرکوبگرانه و از جمله اعدام‌های گسترده جوانان معترض، جوانانی که در دی‌ماه ۱۴۰۴ در مقابل ماشین سرکوب رژیم با شجاعت مقاومت کردند، سعی‌اش در این است که با بهره‌گیری از احساسات میهن‌دوستانهٔ مردم و مقاومت‌شان در برابر تجاوز خارجی موقعیت خودش را تثبیت کند. مبارزه با "کاسبان جنگ و تحریم" و نیروهایی که در درون حاکمیت ادامه رژیم ولایت فقیه را با ادامهٔ وضعیت "نه جنگ، نه صلح" ممکن می‌دانند، مبارزه با موج سرکوب و اعدام‌های دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، تلاش در راه سازمان‌دهی اعتراض‌های گستردهٔ مردمی برای وادار کردن رژیم به عقب‌نشینی و تن دادن به خواست‌های مردمی که از آن جمله‌اند دست یافتن به صلحی شرافتمندانه و پایدار، وظیفه‌هایی تأخیر ناپذیرند.

خیزش "زن، زندگی، آزادی" یکی از گسترده ترین و تاثیرگذارترین جنبش های اجتماعی سال‌های اخیر در ایران بود که نقش محوری و پیشگامانه زنان را به نمایش گذاشت و بازتابی گسترده در ایران و سراسر جهان یافت. این جنبش با محوریت مطالبات زنان شکل گرفت، اما به سرعت به حرکتی فراگیر برای آزادی، برابری، کرامت انسانی و حقوق بنیادین تبدیل شد و نشان داد که خواست آزادی و برابری به یکی از مطالبات مهم بخش های گسترده ای از جامعه ایران تبدیل شده است.

نکتهٔ مهم دیگر دربارهٔ اهمیت خیزشِ مردمیِ "زن، زندگی، آزادی" در تاریخ مبارزات مردم میهن‌مان علیه حکومت استبدادی حاکم که باید به آن توجه کرد این است که به‌رغم سرکوب‌های خونین این خیزش، زنان دلاور ایران توانستند رژیم را در زمینه اِعمال حجاب اجباری به عقب برانند، امری که نیروهایی افراطی پس از تجاوز امپریالیسم آمریکا با اعزام گروه‌های سرکوبِ بی‌حجاب‌ها درصدد بازپس‌گرفتن این دستاورد هستند. اهمیت خیزش مردمی "زن، زندگی، آزادی" فقط به مبارزهٔ زنان برای داشتن حق پوشش اختیاری محدود نمی‌شود بلکه این خیزش با شکستن "تابو"های حاکمیت‌ساخته در بسیاری از عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی سَبکِ و شیوه‌ای متفاوت از کلیشه‌های رژیم را با تلاش پیگیر و مقاومت مدنی روزمرهٔ زنان و مردان میهن ما توانست در جامعه عادی سازی کند. این خیزش مردمی به ویژه برای نسل جوان حق داشتن سبک و شیوهٔ زندگی‌ای متفاوت با سبک و شیوهٔ رژیم را در جامعه عادی سازی کند و گسترش دهد.

حزب تودهٔ ایران در سالگرد خیزش مردمی "زن، زندگی، آزادی"، خاطرهٔ صدها مبارز جان‌باخته را که به‌دست مزدوران رژیم کشته شدند گرامی می‌دارد، به هزاران زندانی سیاسی-عقیدتی، خصوصاً زنان زندانی سیاسی که همچنان در دخمه‌های حکومت در معرض آزار و شکنجه "سربازان گمنام امام زمان" هستند درود می‌فرستد. مبارزه برای آزادی، عدالت اجتماعی، و رهایی زنان از یوغ استبداد قرون‌وسطایی برای برقراری صلح و حفظِ حاکمیت ملی در مقابل تجاوز خارجی همچنان ادامه دارد!

حزب تودهٔ ایران
۲۷ شهریورماه ۱۴۰۵

ادامهٔ ایران گرفتار در چنگال ...

خانواده‌های داغدار، و دیگر قشرهای جامعه هستیم، و هم‌زمان، دستگاه‌های سرکوب رژیم نیز به اعدام‌های ضدّانسانی، دستگیری‌ها، و شکنجهٔ مخالفان برای خاموش کردن هر صدای انتقادی ادامه می‌دهند. برای نمونه، در روزهای اخیر، هم‌زمان با نمایش تبلیغاتی «رزمایش جان‌فدایان «رژیم که مسعود پزشکیان نیز در آن حضور داشت، مردم تهران دو مسابقهٔ ماراتنِ ده‌کیلومتری در «بوستان ولایت «برگزار کردند که در آن اکثر زنان شرکت کننده «حجاب اسلامی «را رعایت نکردند. پاسخ دیکتاتوری حاکم به این حرکت مردمی- یعنی حق آزادی دویدن- فوری بود: فردای آن روز، قوهٔ قضائیه به بهانهٔ «عدم رعایت شئون اسلامی «شرکت‌کنندگان علیه سازمان‌دهندگان این ماراتن اعلام جرم کرد.

حزب ما در ارزیابی‌های اخیرش از اوضاع بحرانی کشور و منطقه اعلام کرده است که ادامهٔ وضع کنونی برخلاف منافع ملی و در راستای سیاست‌های راهبردی امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایت‌کار اسرائیل در منطقه است. بسیج کردن افکار عمومی در ایران و جهان و تلاش برای پایان دادن به تحریم‌های ضدّانسانی و جنگ اقتصادی امپریالیسم آمریکا علیه ایران، که بیش از پیش تأثیرش بر زندگی ده‌ها میلیون مردم سختی‌کشیدهٔ ایران دیده می‌شود، و جلوگیری از آغاز مجدد درگیری‌های نظامی، امروز جزو مهم‌ترین وظایف نیروهای مترقی و آزادی‌خواه کشور است. تلاش نیروهای مترقی و آزادی‌خواه کشور برای بازتاب دادن خواست‌های برحق اکثریت جامعه و به‌ویژه زحمتکشان مزدبگیر که از تنگدستی و ظلم جانشان به لب رسیده است، و فراهم کردن زمینه برای برپایی جنبشی سراسری علیه جنگ و جنگ‌طلبان و بر ضد سیاست‌های تجاوزگرانهٔ امپریالیسم آمریکا و اسرائیل در منطقه وظیفه‌ای فوری و حیاتی است.

ادامهٔ سیلاب‌های ویرانگر برای ...

گرمایش از دست می‌دهد، سریع‌تر از آنکه بتواند بازسازی‌شان کند. یک دهه پیش، تیمور روستایی با حدود ۵۰۰ نفر جمعیت بود. جاده، پست گمرکی و بندر خشک، این روستا را به شهری پررونق تبدیل کرد. مردم پس از سال‌ها مهاجرت کاری به خارج از کشور، به اینجا بازگشتند، زیرا برای نخستین بار طی سال‌های گذشته، در داخل کشور کاری برای انجام دادن وجود داشت. کاری که صبح روز چهارشنبه، با وقوع سیلاب، از بین رفت.بی‌ثباتی در اینجا یک استعاره نیست. این وضعیت، شرط تأمین معیشت در دره‌ای باریک است که خطر بالا دست آن با سرعتی بیش از آنچه کسی بتواند اندازه‌گیری کند در حال تغییر است. در آن سوی مرز، در همسایگی کشوری که داده‌های خود را به اشتراک نگذاشته است؛ با اتکا به پس‌اندازهایی که قابل بازیابی نیستند؛ و در کشوری که مسبب مشکلی نبوده است که اکنون مردمش ناگزیر به تحمل پیامدهای آن هستند. این همه ماجرا نیست. آینده نپال تحت تأثیر تغییرات اقلیمی بی‌ثبات است، ولی مردم این کشور تنها با این بی‌ثباتی تعریف نمی‌شوند. مهاجرانی که به تیمور بازگشتند، یک بار در همین جا شهری پررونق ساختند. اینکه آیا آنان فرصت و منابع لازم را برای انجام دوباره این کار به دست می‌آورند، اکنون، بار دیگر، یک پرسش بی‌پاسخ است.

نوشتهٔ سباستین دی پیرو، نشریه دنیای مردم (متعلق به حزب کمونیست آمریکا)، ۵ شهریور ۱۴۰۵ (۲۷ اوت ۲۰۲۶).

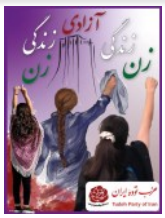

گزارش هایی از پیکار و زندگی مردم

روز جهانی صلح را گرامی بداریم!

روز جهانی صلح همه‌ساله در ۲۱ سپتامبر(۳۰ شهریور) برپا می‌شود. امسال در شرایطی به پیشواز روز جهانی صلح میرویم که میهن‌مان در طی یک سال و اندی گذشته مورد تجاوز امپریالیسم آمریکا و رژیم نژادپرست و فاشیست اسرائیل قرار گرفته است. تبعات این تجاوز و مخصوصاً شرایط نه جنگ و نه صلحی که در آن بسر میبریم شرایط بسیار دشواری را از لحاظ اقتصادی برای زحمتکشان میهن‌مان ایجاد کرده است. تورم سرسام‌آور به علت محاصرهٔ اقتصادی و اجرای برنامه اقتصادی تعدیل ساختاری جمهوری اسلامی به مدت بیش از سی سال و نیز بیکاری میلیون‌ها کارگر صنعتی در اثر تخریب مراکز صنعتی به علت جنگ فشار طاقت فرسایی را بر تمامی زحمتکشان وارد کرده است. مبارزه برای صلحی عادلانه در شرایط فعلی وظیفهٔ هر میهن‌دوستی است. بیاییم در روز جهانی صلح با فریاد نه به تجاوز، خواهان صلحی عادلانه که عدالت اجتماعی و تامین حقوق و آزادی‌های دمکراتیک فردی و اجتماعی را فراهم می‌آورد، شویم.

کشاورزان و کارگران کشاورزی از وضعیت معیشتی خود ناراضی‌اند

کشاورزی یکی از پایه‌های اصلی تأمین امنیت غذایی و اشتغال در ایران است، اما کشاورزان و کارگران این بخش در سال‌های اخیر با مشکلاتی روبه‌رو شده‌اند که ادامه فعالیت و تأمین معاش آنان را دشوارتر کرده است. بحران آب و خشکسالی، افزایش هزینه تولید، گرانی کود، بذر، سم، سوخت و ماشین‌آلات، خسارت‌های ناشی از حوادث طبیعی، دشواری دسترسی به تسهیلات و بیمه و همچنین نوسان قیمت محصولات، از مهم‌ترین مشکلات امروز کشاورزان است. در چنین شرایطی، کشاورز پیش از آنکه محصول خود را به بازار برساند بخش عمده‌ای از سرمایه‌اش را برای تولید هزینه کرده است بنابراین هرگونه کاهش قیمت یا تأخیر در دریافت مطالباتش می‌توانند ادامه کشت را برای او دشوار کنند.

بحران آب همچنان یکی از جدی‌ترین مشکلات کشاورزی ایران است. کاهش بارندگی، خشکسالی‌های پی‌درپی، افت منابع آب زیرزمینی و فرسودگی شبکه‌های آبیاری، سطح و میزان تولید بسیاری از منطقه‌ها تأثیر گذارده است. از نگاه کشاورزان، مسئله تنها کمبود آب نیست، بلکه نحوه مدیریت و توزیع آن نیز اهمیت دارد. ادامه کشاورزی در بسیاری از منطقه‌ها بدون مدیریت علمی منابع آب، اصلاح الگوی کشت و سرمایه‌گذاری در روش‌های نوین آبیاری امکان‌پذیر نخواهد بود.

در کنار مشکلِ آب، افزایش هزینه تولید و کاهش قدرت خرید کشاورزان فشار زیادی بر این قشر وارد کرده است. قیمت نهاده‌ها، تعمیر و خرید ماشین‌آلات، سوخت و دستمزد نیروی کار افزایش یافته‌اند در حالی که درآمد کشاورز همیشه متناسب با این افزایش هزینه‌ها رشد نکرده است. دولت از طریق خرید تضمینی برخی محصولات، پرداخت تسهیلات، بیمه کشاورزی و اجرای طرح‌های آب و خاک تلاش کرده است بخشی از این مشکلات را کاهش دهد، اما پرسش اساسی این است که منابع و حمایت‌های اختصاص‌یافته تا چه اندازه و با چه سرعتی به کشاورز واقعی می‌رسد.

مشکل مهم دیگری برای کشاورزان، نقشِ واسطه‌ها و دلالان در بازار محصولات کشاورزی است. کشاورز معمولاً به دلیل نیاز فوری به پول، نداشتن امکانات کافی برای نگهداری محصول، و دسترسی محدود او به بازار ناچار است محصولش را بلافاصله پس از برداشت عرضه و به‌فروش رساند.در چنین شرایطی قدرت چانه‌زنی او کاهش می‌یابد و گاه فاصله زیادی میان قیمت خرید از کشاورز و قیمت نهایی محصول برای مصرف‌کننده ایجاد می‌شود. توسعه تعاونی‌های واقعی تولیدکنندگان، بازارهای مستقیم، خرید قراردادی، صنایع تبدیلی، و امکانات نگهداری محصول می‌توانند وابستگی کشاورزان به واسطه‌ها را کاهش داده و سهم بیشتری از ارزش محصول را به تولیدکننده یا کشاورز بازگرداند.

در این میان کارگران کشاورزی و به‌ویژه کارگران فصلی زن نیز نباید فراموش شوند. وضعیت زنان کارگر "سقز"ی- در کردستان- نمونه‌ای قابل تأمل از شرایط گذران زندگی این بخش از زحمتکشان است. شماری از این زنان برای تأمین معاش خانواده در فصل‌های مختلف سال راهی مزارع می‌شوند و در کارهایی مانند وجین و برداشت محصولات کشاورزی فعالیت می‌کنند، اما اشتغال آنان غالباً فصلی و ناپایدار است و بسیاری از آنان از قرارداد کاری و پوشش بیمه‌ای کافی برخوردار نیستند. توجه به بیمه، دستمزد عادلانه، ایمنی محیط کار، و امنیت اجتماعی این زنان و دیگر کارگران فصلی باید بخشی از سیاست حمایت از کشاورزی باشد، زیرا تولید کشاورزی تنها به زمین و محصول وابسته نیست، بلکه به نیروی انسانی‌ای وابسته است که در سخت‌ترین شرایط در مزارع کار می‌کند.

درمجموع، مشکلات کشاورزی ایران تنها به کمبود آب یا گرانی نهاده‌ها محدود نمی‌شود. کشاورز به آب، سرمایه، بازار، قیمت عادلانه، بیمه و امنیت اقتصادی نیاز دارد و کارگر کشاورزی نیز به دستمزد منصفانه و امنیت شغلی و اجتماعی نیازمند است. دولت برای بخشی از این مشکلات برنامه و اعتبار در نظر گرفته است، اما موفقیت این سیاست‌ها باید با نتیجه‌ای که در زندگی واقعی کشاورزان و کارگران ایجاد می‌کند سنجیده شود.

برای بهبود وضعیتِ مورد اشاره، مدیریت پایدار آب، کاهش هزینه تولید، پرداخت به‌موقع مطالبات، تقویت بیمه، تسهیل دسترسی کشاورزان خُرد به تسهیلات، ایجاد بازارهای مستقیم و تعاونی‌های واقعی و کاهش وابستگی به واسطه‌ها ضروری است.

درنهایت، حمایت از کشاورزی زمانی معنا پیدا می‌کند که نه‌تنها از زمین و محصول، بلکه از کشاورز، کارگر کشاورزی، و خانواده‌های آنان که زندگی‌شان به نان‌آورشان وابسته است نیز حمایت شود. با وجود ادامه برنامه ضدملیِ "آزادسازی اقتصادی" چنین حمایتی در جمهوری اسلامی امکان‌ناپذیر است.

گرانیِ دارو در سایهٔ جنگ، محاصرهٔ اقتصادی، و برنامهٔ "آزادسازیِ قیمت"ها

تأمین مَراقبت های پزشکی و دسترسی به دارو از وظایف مهم و اصلی هر دولت و حکومت مستقر است. سایهٔ جنگ، تحریم، محاصره اقتصادی برای خفه‌کردن ایران، و تداوم اجرای برنامه جراحی اقتصادی از سوی دولت‌های مختلف ایران سبب گران شدن دارو شده‌اند. مافیای دارو در ایران که توسط شرکت‌های انگلی اداره می‌شود از عوامل دیگر این گرانی و کمبود است. همین چندی پیش بود که وزارت بهداشت رژیم اعلام کرد یک‌ونیم میلیارد دلار ارزی که برای واردات دارو در اختیار مفسدان اقتصادی و دزدان بیت المال قرار داده شده بود نه تنها با این ارز اختصاص داده شده دارویی وارد کشور نشد بلکه این یک‌ونیم میلیارد دلارِ ارز از ایران خارج شد و احدی هم پاسخگوی این اقدام نشد! امروزه در میهن ما و در این اَبَربحران‌های معیشتی و اقتصادی مستولی بر آن، گرانی شدید دارو، کمبود دارو، و دسترسی ناپایدار و تصادفی

ادامه در صفحه ۵

ادامهٔ گزارش هایی از کار و پیکار ...

به دارو، خطر مرگِ زودرس بیماران نیازمند به دارو را سبب می‌شود. "انجمن داروسازان ایران" اعلام کرده است در سال جاری قیمت داروها درمجموع بین ۳۰ الی ۷۰ درصد افزایش قیمت داشته است .مشکلات اقتصادی، کمبود نقدینگی، ایجاد اختلال در زنجیره تامین دارو (بخوان: از سوی مافیای دارو) از عوامل گران شدن و کمبود دارو هستند که شرایط جنگی شدت این بحران را دوچندان کرده است.این "انجمن" میزان گران شدن برخی از داروهای خاص سرطان و انسولین و مکمل ها را تا ۳۸۰ درصد اعلام کرده است. در مواردی هم که دارو موجود باشد، بحران دسترسی به آن به علت گرانی، کمبود"، و سنگینی مالی افزایش قیمت و بیماران را از دستیابی بدان محروم می‌سازد و پشت خمیده‌شان را خمیده‌تر می‌کند. "انجمن داروسازان ایران" از بازاری حدود ۱۰۵ هزار میلیاردی و عرصه بیش از ۹/۲ میلیارد واحد دارویی گزارش می‌دهد که علاوه بر عواملی از قبیل تامین مواد اولیه ، مسائل دیگری از قبیل ارز ، نقدینگی واردات، و توزیع هم در رساندن دارو به دست بیماران نقش مهمی دارند. این‌چرخه توزیع، قیمت داروها را به طور سرسام‌آوری بالا می‌برد و دسترسی بیماران به آن را غیرممکن می‌سازد. به عنوان نمونه می‌توان به بالا رفتن یک قلم داروی پارکینسون اشاره نمود که قیمت آن از ۳۰ هزار تومان در پارسال به ۳۰۰ هزار تومان در امسال افزایش یافته است و هزینه یک قلم داروی دیگر پارکینسون از ۵ میلیون تومان به ۳۰۰ میلیون تومان رسیده است. در همین مدت زمان یاد شده بهای داروهای آلزایمر ۷۰۸ درصد افزایش قیمت داشته است و داروهای عمومی و مکمل دیگر جهش قیمتی بین ۳۰ تا۷۰ درصد داشته‌اند. توجه داشته باشیم‌که بسیاری از داروها به‌خصوص داروهای خارجی و وارداتی زیر پوشش بیمه نیستند و از توان و قدرت خرید مردم‌خارج هستند و اگر در نظر بگیریم‌که بیشتر بیماران حتی از داشتن بیمه درمانی نیز محرومند به عمق فاجعه درمان و بهداشت و دارو بیشتر پی می‌بریم. به عنوان مثال می‌توان به این دو گزارش توجه کرد که فاجعه دارو را به خوبی ترسیم‌نموده‌اند: "بنا به گزارش خبر گزاری ایرنا، هزینه درمان پارکینسون ۶ میلیون تومان در ماه اعلام شده است و، گزارش 'انجمن ام اس ایران' هم، عمق این بلای بی درمان را بیشتر می‌شکافد. بنا به گزارش این انجمن هزینه دارو و درمان این‌بیماری ۲۰ میلیون تومان در ماه است! اگر این‌هزینه گیج‌کننده را با حقوق پایه یک کارگر که مبلغی حدود ۱۹ میلیون تومان اعلام شده است را مقایسه کنیم، به فاصله عمیق و غیر قابل دسترسی بین بیمار و دارو و درمان را می‌توانیم به خوبی مجسم کنیم که فاصله نجومی غیر قابل دسترسی می‌باشد. بهره‌مندی از دارو و درمان حق طبیعی تمام مردم می‌باشد که در جمهوری اسلامی اکثریت هموطنان ما از دستیابی بدان محروم می‌باشند."

بدرود عمو محمود جوان

رفیق محمود نسلی اصفهانی، مبارزِ ثابت‌قدمِ توده‌ای، درگذشت

[تولد: ۱۳۰۵، تهران- درگذشت: ۱۴۰۵، کُلن، آلمان].

آنان سه تن بودند، از نسل ارشد توده‌ای، وارثِ ثبات‌قدم و ماندن بر پیمان‌شان بر دفاع از منافع زحمتکشان و کارگران تا آنجا که در توان و امکان‌شان (در شرایط مهاجرت) بوده است. عمو محمود که صفت "جوان" را خود به‌طنز- اما می‌شد گفت به‌جد در واقعیت امر زندگی‌اش- پس از نام "محمود" می‌آورد. آنان، هر سه دوست و درعین‌حال "رفیق" در پی سال‌های شدت گرفتن موج پناهندگی ایرانیان با گرایش‌های مختلف به‌لحاظ سیاسی و ازجمله نیز به‌لحاظ وضعیت بد اقتصادی در کمک به هموطنان درنگ نمی‌کردند. عمو محمود در همان زمان، از پی سال‌ها کار با تاکسی از اندوخته‌ای که حاصل کرده بود سی‌هزار مارک به کوبای انقلابی کمک مالی کرد. در همان زمان چهره‌های سابق و لاحق در عرصهٔ سیاست و فرهنگ و هنر ایران به آلمان می‌آمدند یا دعوت می‌شدند. در جلسه‌های سخنرانی آنان عمو محمود و دو رفیق دیگر - عمو مسعود ملکی و عمو هنریار- حضور پیدا می‌کردند. پس از پایان سخنرانی‌ها معمولاً حاضران، چپ، راست، میانه، مذهبی، سکولار، موافق، مخالف، و جز اینان، دور سخنران در سالن گرد می‌آمدند و با سخنران گفت‌وگو یا سؤال مطرح می‌کردند. برخی نیز بیشتر گرد سه تن: عمو مسعود، عمو محمود، و عمو هنریار حلقه می‌زدند و درمورد آنچه در زمینه فعالیت حزب سپری شده بود آنان را سؤال‌پیچ می‌کردند. اینان معدودی بودند که در گذشته با گشایش دفتر حزب و آغاز فعالیت آن با حرارت به حزب پیوسته بودند (هوادار یا عضو) اما اینک در میزان‌الحرارهٔ گرایش سیاسی‌شان آن حرارت به نقطهٔ صفر ،کم یا بیش، پایین رفته بود و با مشایعت عده‌ای از توده‌ای‌ستیزها هم همراهی می‌شدند. سؤال‌های‌شان بیشتر اظهار نظرهایی تلخ و بدبینانه بود (بیشتر از جانب جوان‌هاشان). این سه تن اهل این‌گونه مباحثه‌های سرپایی و اساساً اهل جدل نبودند، سه تن با برخورد و سلوکی دوستانه و مؤدبانه و گاهی همراه باتوضیحی مختصر از شدت تلخی و بدبینانه بود اظهارنظرها که در قالب سؤال جا داده بودند می‌کاستند و آنان را به تأمل بیشتر در مورد مسائلی که جوانب پیچیده‌ای در فعالیت حزبی ریشه‌دار همچون حزب تودهٔ ایران می‌توانست وجود داشته باشد دعوت می‌کردند. چین‌وچروک خشم و قهر اندک اندک در چهرهٔ اظهارنظر کنندگان صاف می‌شد و کینه تلخی دیدار عجالتاً برطرف می‌شد و حرف و حدیثی دوستانه با طنزهای عمو محمود، توضیح صبورانه عمو مسعود، و حتی دعوت عمو هنریار به صرف آبگوشت دستپخت خودش جای آن را می‌گرفت. در آن موج شدید مهاجرت که جمع زیادی را به این کشور کشانده بود بسیاری‌شان حتماً نمی‌دانستند، انتظار هم نمی‌رفت که بدانند، عمو مسعود همراه دو برادرش سال‌ها در زندان رژیم پهلوی با آن رژیم رویارویی کرده بودند (کاراکتر "ملک" که رفیق مسعود ملکی باشد در رمان "داستان یک شهر" اثر احمد محمود آمده است)، سپری کردن عمو هنریار، خلبان ارتش، سال‌ها زندان زیر حکم اعدام و پس از انقلاب اعدام پسرش به‌دلیل عضویت در یک سازمان چپ، و زندگی عمو محمود که حسابدار ارشد شرکتی خصوصی بود که ادامه کار در آن می‌توانست او را که جوانی سختی گذارنده بود از همه نظر در تمام عمر زندگی او را تأمین کند با عضویت و فعالیت در حزب به آن پشت پا زد و مجبور به مهاجرت شد. آن سه تن درگذشته‌اند و آخرین‌شان که عمو محمود بود ۱۸مردادماه درگذشت. با همهٔ مصائبی که از رژیم پهلوی و رژیم کنونی تحمل کرده بودند آنان با خصایل انسانی، و درک آرمان زحمتکشان، باوجود دور بودن از میهن توانستند هم‌وطنان "سؤال‌پیچ کننده" را به تأمل بیشتر بر سرگذشت میهن‌شان وادارند. حضور همیشگی در جلسه‌های سخنرانی گرایش‌های مختلف در خارج، در برگزاری یادمان‌ها، نمایش‌های تئاتری، و جشن‌های هموطنان ایرانی در کلن، آنان نمادی مجسم از پشتیبانی از حقوق زحمتکشان، کارگران، توده‌های مردم میهن‌شان بودند.

رفیق محمود نسلی اصفهانی در سال ۱۳۲۶ (در پانزده‌سالگی) به‌عضویت حزب تودهٔ ایران (سازمان جوانان) درآمد. در حزب در مقام مسئول حوزه بود و سپس سرشاخه تشکیلات در حزب گردید. رفیق محمود پس از انقلاب عضو حزب و مسئول دو حوزهٔ حزبی بود. در شاخه کارگری حزب سرشاخه بود. در کنار آن مسئول پخش نسخهٔ اولیهٔ "پرسش و پاسخ" به بخش‌هایی از حزب بود. رفیق محمود در سال ۱۳۶۲ و هم‌زمان با یورش دوم به حزب توده ایران، تحت پیگرد قرار گرفت و به ناچار میهن خود را ترک کرد.رفیق درتمامی نشست های حزبی (کنگره‌ها و پلنوم‌های وسیع) حضوری فعال و پرشور داشت. رفیق محمود در ۱۸ مرداد ۱۴۰۵ چشم از جهان فروبست. ره‌آورد زندگی پرثمرش، یک عمر مبارزه برای آزادی و رفاه مردم میهنش بود. او انسانی شریف، والا و همیشه یار و باور رفقا، دوستان و خانواده بود. راه و زندگی او، سرمشقی ارزنده برای جوانان میهنمان است. حزب تودهٔ ایران درگذشت رفیق محمود نسلی اصفهانی را به رفقای توده‌ای و خانوادهٔ گرامی ایشان تسلیت می‌گوید. یادش گرامی باد.

ادامهٔ ایران گرفتار در چنگال تحریم‌های ضدّانسانی ...

اقتصادی روی کاغذ نیستند. در پشت آنها خانواده‌هایی قرار دارند که ناچارند مصرف گوشت، لبنیات، میوه، و حتی کالاهای بسیار ابتدایی مثل تخم‌مرغ را کاهش دهند. گزارش‌های اخیر حتی از افزایش چشمگیر قیمت نان و دشوارتر شدن تأمین ساده‌ترین مواد غذایی برای خانوارهای کارگری خبر می‌دهند. مرحلهٔ تازهٔ فشار اقتصادی و اعمال تحریم‌های ضدّانسانی دولت شبه‌فاشیستی ترامپ نیز وضع را دشوارتر کرده است. دولت آمریکا در ماه‌های اخیر اقداماتش برای محدود کردن درآمدهای خارجی، شبکه‌های مالی، تجارت، و حمل‌ونقل ایران را گسترش داده است. خبرگزاری رویترز در اوایل شهریور گزارش داد که ترکیب محاصرهٔ صادراتی و تشدید اجرای تحریم‌ها دسترسی ایران به ارز و کانال‌های خرید خارجی را بسیار محدود کرده است. کمبود دارو و مواد غذایی اساسی نمونهٔ بارزی از اثر این وضع بر مردم عادی و زحمتکش کشور است. گزارش‌های ماه شهریور از کمبود صدها قلم دارو در ایران، از جمله ده‌ها داروی ضروری و حیاتی، حکایت دارد. حتی تولیدکنندگان داخلی دارو نیز به‌علت وابستگی به برخی مواد اولیه و تجهیزات وارداتی از بحران مصون نمانده‌اند. قیمت برخی داروهای پُرمصرف چندبرابر شده و برای بیمارانی که به درمان مداوم نیاز دارند مسئله دیگر فقط پیدا کردن دارو نیست؛ توانایی پرداخت هزینهٔ دارو نیز به بحرانی جدی تبدیل شده است.

به عبارت دیگر، جنگ‌افروزی امپریالیسم آمریکا به سرکردگی ترامپ و دولت جنایت‌کار اسرائیل علیه ایران، که امروز به‌شکل جنگ اقتصادی تمام‌عیار تاروپود اقتصاد و معیشت مردم را تهدید می‌کند، فاجعه‌ای عظیم برای کل مردم ایران و به‌ویژه زحمتکشان به بار آورده است. این فاجعه نه‌تنها باعث تضعیف مبارزات آزادی‌خواهانه و عدالت‌طلبانهٔ نیروهای مترقی، چپ، ملی، و از جمله مبارزات صنفی جنبش کارگری شد است. علت هم آن است که در اوضاع کنونی، ساختار سیاسی حاکم و کل جامعه پیش از هر چیز با ضرورت حیاتی مبارزه برای دفع تهدید وجودی علیه ایران مواجه شده است.

ملت ایران هم‌زمان با دو خطر درهم‌تنیده مواجه است که موجودیت کشور را تهدید می‌کنند: از یک سو تهدید خانمان‌سوز امپریالیسم آمریکا از خارج، و از سوی دیگر پافشاری کاسبان تنش و متوهمانِ معتقد به تفکر انحرافی «جنگ، جنگ تا پیروزی» بر سیاست‌های ضد منافع ملی در داخل. این جریان مخرب و ضدّملی در ساختار قدرت درصدد دستیابی به «حاکمیت یکدست» در دوران پس از علی خامنه‌ای و برجسته‌سازی مرتجع‌ترین دیدگاه‌های مذهبی آمیخته به ناسیونالیسم عوام‌فریبانه است- ابزاری برای سرکوب داخلی به بهانهٔ «حفظ امنیت ملی.» آنها تلاش دارند از این طریق سلطهٔ کامل «اسلام سیاسی» را برقرار و حفظ کنند و دسترسی انحصاری‌شان به رانت‌های کلانِ سیاسی و اقتصادی را گسترش دهند.

این جریان در درون دیکتاتوری حاکم با تلاشی هماهنگ و سازمان‌یافته و از طریق اهرم‌های سیاسی، مانند «بیت جدید رهبری»، مجلس، صدا و سیما، شبکه‌های اجتماعی داخلی و خارجی، و روزنامه‌هایی مانند کیهان، و در چند روز گذشته با سازمان‌دهی فشارهای خیابانی، درصدد حذف کردن مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور برگزیدهٔ «رهبر شهید»، و امثال قالیباف و عراقچی از قدرت سیاسی است. جریان مذکور این مانعی بر سر راه هدف‌هایش برای حفظ شرایط مخرب «نه جنگ و نه صلح» کنونی می‌دانند. تلاش برای مسدود کردن هرگونه راه دیپلماتیک را، آن هم در حالی که پزشکیان و عراقچی مشغول رایزنی با چین و روسیه هستند، می‌توان در سخنان ذوالقدر، «مشاور سیاسی «مجتبی خامنه‌ای، دید که می‌گوید: «تا به زیر کشیدن ترامپ و نتانیاهو تنگهٔ هرمز را نخواهیم گشود و این اولین مرحله از انتقام ملت ایران است.»

در همین ارتباط، جمع‌آوری امضا برای طرح لایحهٔ سه‌فوریتی خروج از «پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌یی (NPT) «به‌منظور زمینه‌چینی برای اجرای توهم خطرناک «آزمایش هسته‌یی «شایان توجه است. این سخنان خوراک تبلیغاتی به اتاق جنگ روانی دولت جنایت‌کار نتانیاهو و صهیونیست‌های حاکم در حزب جمهوری‌خواه و حزب دموکرات آمریکا می‌دهد که برای بازگشت به تجاوز نظامی به ایران تلاش می‌کنند. واقعیت این است که برنامهٔ هسته‌یی جمهوری اسلامی در طول بیش از سه دههٔ گذشته نه‌تنها سودی برای میهن ما و مردم زحمتکش و محروم ایران نداشته است، بلکه در تمام عرصه‌ها با شکست روبه‌رو شده و هزینه‌های

... حزب ما در ارزیابی‌های اخیرش از اوضاع بحرانی کشور و منطقه اعلام کرده است که ادامهٔ وضع کنونی برخلاف منافع ملی و در راستای سیاست‌های راهبردی امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایت‌کار اسرائیل در منطقه است. بسیج کردن افکار عمومی در ایران و جهان و تلاش برای پایان دادن به تحریم‌های ضدّانسانی و جنگ اقتصادی امپریالیسم آمریکا علیه ایران، که بیش از پیش تأثیرش بر زندگی ده‌ها میلیون مردم سختی‌کشیدهٔ ایران دیده می‌شود، و جلوگیری از آغاز مجدد درگیری‌های نظامی، امروز جزو مهم‌ترین وظایف نیروهای مترقی و آزادی‌خواه کشور است...

مالی، مادّی، سیاسی، و امنیتی آن از جیب ملت پرداخته شده است.

اشاره به این موضوع نیز اهمیت دارد که افزون بر جنگ اقتصادی، خطر تشدید دوبارهٔ جنگ نظامی نیز جدی است. دونالد ترامپ روز پنجشنبه در مصاحبه‌ای با «اکسیوس «گفت که در آستانهٔ یک «تصمیم‌گیری بزرگ «دربارهٔ ازسرگیری حمله‌های گسترده به ایران قرار دارد. او در همان مصاحبه از احتمال حمله‌ای برای «نابودی کامل ایران «سخن گفت. ترامپ در عین حال گفته است که ایران خواهان توافق است و ابراز امیدواری کرده که جنگ به مراحل پایانی نزدیک شده باشد. بنابراین، در مواضع اعلام‌شدهٔ دولت آمریکا در مورد جنگ هم‌زمان دو عنصر دیده می‌شود: تهدید به تشدید عملیات نظامی و سخن گفتن از امکان توافق.

این تهدیدها را نمی‌توان از تجربهٔ جنگی که از اسفند ۱۴۰۴آغاز شد جدا کرد. حمله‌های آمریکا و اسرائیل به ایران و پاسخ‌های موشکی و پهپادی ایران دامنهٔ درگیری را به منطقه گسترش داد. توافق موقت و میانجیگری‌های بعدی تا حدی شدت جنگ را کاهش داد، اما اختلاف بر سر تنگهٔ هرمز، برنامهٔ هسته‌یی ایران، و تحریم‌ها همچنان باقی مانده است. هر دور تازهٔ حمله‌های گسترده می‌تواند هزینه‌ای بسیار فراتر از نابودی هدف‌های نظامی داشته باشد. زیرساخت‌های اقتصادی و حمل‌ونقل، شبکهٔ انرژی، بیمارستان‌ها، تولید، و زندگی میلیون‌ها شهروند در جنگ آسیب‌پذیرتر می‌شوند. برای مردمی که هم‌اکنون با تورم و کمبود کالاهای اساسی دست‌وپنجه نرم می‌کنند آغاز دوبارهٔ جنگ و گسترش آن می‌تواند بحران موجود را عمیق‌تر کند.

ما قبلاً هم اشاره کرده بودیم و باز هم تأکید می‌کنیم که ایران حق دارد از استقلال، تمامیت ارضی، و حاکمیت ملی‌اش دفاع کند. هیچ قدرت خارجی نباید و نمی‌تواند دربارهٔ آیندهٔ سیاسی ایران از طریق بمباران، محاصره، یا تحمیل تحریم‌های اقتصادی تصمیم بگیرد. تعیین سرنوشت و آیندهٔ ایران فقط به عهدهٔ مردم ایران است. در عین حال، دفاع از حاکمیت ملی نباید به معنای پذیرش جنگ بی‌پایان باشد. وقتی هزینهٔ سبد معیشت خانواده‌ها چندبرابر درآمد ماهانهٔ یک کارگر شده، صدها قلم دارو کمیاب است، و ارتباط هوایی و تجاری کشور هر روز محدودتر می‌شود، ادامه یافتن تقابل نظامی و اقتصادی مستقیماً به زندگی مردم گره می‌خورد. امروز ایران در برابر دو خطر هم‌زمان قرار گرفته است: فرسایش اقتصادی جامعه و بازگشت جنگ گسترده‌تر. خروج از این وضع بیش از هر چیز به دیپلماسی، باز شدن مسیرهای اقتصادی و انسان‌دوستانه، و توافقی نیاز دارد که امنیت و حاکمیت ملی ایران را حفظ کند و در عین حال از چرخهٔ تهدید و محاصره و جنگ بکاهد. در نهایت، مسئلهٔ اصلی نباید پیروزی این یا آن دولت در این رویارویی فرسایشی باشد. معیار انسانی‌تر و ملموس‌تر این است که مردم ایران بتوانند بدون ترس از بمباران زندگی کنند، داروی مورد نیازشان را تهیه کنند، با درآمدشان زندگی مناسبی داشته باشند، و دربارهٔ آینده کشور خودشان بدون فشار قدرت‌های خارجی تصمیم بگیرند.(هم امنیت برقرار شود و هم فشار و دستگیری و اعدام متوقف شود)صلح پایدار زمانی معنا پیدا می‌کند که هم استقلال ایران محفوظ بماند و هم مردم از هزینه‌های رویارویی بی‌پایان رهایی یابند. در چنین شرایطی، دفاع از موجودیت کشور، حفظ استقلال و آینده و امکان دگرگونی بنیادین کشور مستلزم هوشیاری، همبستگی، و کنش مسئولانهٔ همهٔ نیروهای مترقی و آزادی‌خواه کشور است. واقعیت این است که بدون حمایت واقعی مردم، صرفاً با تکیه بر موشک و پهپاد، نمی‌توان کشور را در برابر دست‌اندازی‌ها، نفوذهای امنیتی، و حمله‌های نظامی امپریالیسم و اسرائیل حفظ کرد. اما کیست که نداند شکاف عمیق و گسترده‌ای میان ملت و حکومت جمهوری اسلامی وجود دارد، شکافی غیرقابل ترمیم که فعلاً، به‌علت شرایط جنگی و پرهیز کردن مردم از ایجاد هرج‌ومرج، به انفجار اجتماعی گسترده‌ای مانند آنچه در خیزش مردمی «زن، زندگی، آزادی «و سپس در اعتراض‌های دی ۱۴۰۴ دیدیم منجر نشده است. شرایط امروز کشور را می‌توان به آرامشی کوتاه قبل از طوفان تشبیه کرد. در گوشه و کنار کشور هر روز شاهد اعتراض‌های بازنشستگان، کارگران، جوانان بیکار، زنان، دانشجویان،

ادامه در صفحه ۳

غرفهٔ «نامهٔ مردم» در فستیوال‌های «اومانیته» و «ندای مردم»

غرفهٔ »نامهٔ مردم «در قلب جشنوارهٔ اومانیته!
»دست‌ها از ایران کوتاه! ««آمریکا باید از خاورمیانه خارج شود!«

- **شرکت نمایندهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران به دعوت مسئولان روزنامهٔ اومانیته در میزگرد موفقی در مورد صلح در خاورمیانه در روز شنبه ۱۲ سپتامبر (۲۱ شهریور) در محل مرکز بحث‌ها در دهکدهٔ جهانی. در این میزگرد رفیق رائد فهمی، دبیرکل حزب کمونیست عراق، و همچنین سخنرانانی از لبنان و یمن نیز سخنرانی کردند.**
- **سمینار »بحث در مورد صلح در خاورمیانه «به ابتکار و سازمان‌دهی حزب تودهٔ ایران و با شرکت نمایندگان رهبری حزب‌های کمونیست فرانسه، لبنان، سودان، عراق، فلسطین (حزب مردم)، و حزب تودهٔ ایران با موفقیت برگزار شد.**

جشنوارهٔ سالانهٔ روزنامهٔ حزب کمونیست فرانسه »اومانیته«، بزرگ‌ترین جشنوارهٔ سیاسی اروپا، در روزهای ۱۱ تا ۱۳ سپتامبر (۲۰ تا ۲۲ شهریور) در حومهٔ جنوبی شهر پاریس با شور و شکوه کم‌نظیری برگزار شد.

با وجود شرایط این روزهای حاکم بر فرانسه به‌دلیل اوضاع بغرنج جهانی، تهدیدی که از جانب نیروهای راست افراطی و جنگ‌طلبان متوجه صلح جهانی است، و نیز به‌دلیل نزدیک‌تر شدن به انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده در آن کشور، جشنوارهٔ امسال اومانیته با شور و شوقی استثنایی در فضایی گرم و صمیمانه برگزار شد. طبق آمارهای رسمی اعلام‌شده، در جشنوارهٔ امسال بیش از ۵۷٬۰۰۰ نفر، از زن و مرد، پیر و جوان، از گروه‌های قومی و اتنیکی و ملیت‌های گوناگون، شرکت کردند و به مبارزه برای صلح و رفاه و علیه نژادپرستی و بیگانه‌هراسی و جنگ‌افروزی پیوستند.

سخنرانی نمایندهٔ حزب تودهٔ ایران در سالن اصلی بحث‌های جشنواره

به دعوت مسئولان روزنامهٔ اومانیته، نمایندهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران در روز شنبه ۱۲ سپتامبر (۲۱ شهریور) در میزگرد موفقی در مورد صلح در خاورمیانه در محل مرکز بحث‌ها در دهکدهٔ جهانی شرکت کرد. در این میزگرد رفیق رائد فهمی، دبیر کل حزب کمونیست عراق، و همچنین سخنرانانی از لبنان و یمن نیز شرکت داشتند.

نمایندهٔ حزب ما در آغاز سخنانش، پس از تشکر از روزنامهٔ اومانیته برای سازمان‌دهی این میزگرد مهم در مورد صلح در خاورمیانه و ایران، و دعوت از نمایندهٔ حزب ما برای سخنرانی، در سخنانش بر این نکات تأکید کرد:

ناتوانی به‌اصطلاح »جامعهٔ بین‌المللی «در محکوم و متوقف کردن حمله‌های ویرانگر نظامی دولت راست افراطی اسرائیل در غزه.

حمایت فعالانهٔ دیپلماتیک و نظامی غرب، به رهبری آمریکا، از اسرائیل، به بهانهٔ »حق اسرائیل برای دفاع از خود«، نسل‌کُشی در غزه را عادی‌سازی کرد، قوانین بین‌المللی را زیر پا گذاشت، و سازمان ملل متحد را در عمل منفعل کرد.

مرحلهٔ بعدی این قانون‌شکنی در دو موج گستردهٔ حمله‌های نظامی غیرقانونی آمریکا و اسرائیل به ایران بود که از ژوئن ۲۰۲۵ (تیر ۱۴۰۴) آغاز شد. زیرساخت‌های حیاتی، مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها، کارخانه‌ها، و پل‌ها ویران شدند. جنگ ۴۰روزه‌ای که از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ (۹ اسفند ۱۴۰۴) آغاز شد عملاً همچنان ادامه دارد و توافق‌نامه‌های شکنندهٔ »آتش‌بس «ناپایدار مانده‌اند. اسرائیل نقشی اساسی در وارد کردن ترامپ به جنگ با ایران داشته است و هنوز هم همین روند را دنبال می‌کند.

مردم ایران در معرض خطر حمله‌های نظامی ضدّانسانی امپریالیسم آمریکا قرار گرفته‌اند که هر آن می‌تواند زندگی آنها را نابود کند. نمونهٔ اخیر آن حملهٔ جنایت‌کارانهٔ آمریکا به یک منزل مسکونی در بندر کوهستک بود که مراسم عروسی در آن برقرار بود. در این حمله پنج نفر، از جمله یک کودک، کشته و ۶۸ نفر زخمی شدند.

دولت راست‌گرای افراطی دونالد ترامپ از یک سو با تشدید جنگ اقتصادی، که فشار اصلی آن بر دوش مردم است، و از سوی دیگر با حمله‌های هوایی به زیرساخت‌های ایران، کشور ما را در وضعی بسیار دشوار قرار داده است. در مقابل، جمهوری اسلامی فعلاً با هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکا در منطقه و تهدید به حمله‌های گسترده به زیرساخت‌ها توانسته است نوعی بازدارندگی موقت ایجاد کنند، اما قادر به دفاع مستقیم از شهرها و زیرساخت‌ها نیست.

ایران در وضعیت برزخی »نه جنگ، نه صلح «قرار دارد. اقتصاد خرد و کلان بسیار فرسوده شده و ضربه‌های سنگینی به نیروهای مولد و بازتولید اجتماعی وارد شده است. واقعیت تلخ این است که جریان‌های پُرنفوذی در حکومت ایران خواهان تداوم این وضع‌اند. »کاسبان وضعیت نه جنگ، نه صلح «این بحران را فرصتی برای ثروت‌اندوزی‌های عظیم و اهرمی برای تحمیل قدرت سیاسی خودشان می‌دانند. جمهوری اسلامی ایران وارد مرحلهٔ جدیدی برای »حفظ نظام «شده است. در درون حکومت دربارهٔ اینکه "چه باید کرد" اختلاف‌نظر عمیقی وجود دارد. بخشی از حکومت خواهان نوعی دستیابی به توافق با آمریکا از طریق دیپلماتیک است و بخشی دیگر در این توهم است که با تاب‌آوری در برابر وضعیت موجود، بسته نگه داشتن تنگهٔ هرمز، و وارد آوردن ضربه به اقتصاد جهانی می‌توان هم آمریکا را شکست داد و هم اعتراض‌های مردمیِ ناشی از وخامت اوضاع اقتصادی کشور را مهار و سرکوب کرد.

واقعیت آن است که اکثریت مردم ایران خواهان حفظ استقلال، صلح، و داشتن زندگی شایسته‌اند، اما در عمل مجرایی برای طرح و تحقق خواست‌هایشان وجود ندارد. حتی ابراز اعتراض به مشکلات و بحران‌هایی که بر شانهٔ زحمتکشان سنگینی می‌کند به‌منزلهٔ تضعیف کشور در برابر دشمن تعبیر می‌شود.

جنگی که اسرائیل و امپریالیسم آمریکا به سرکردگی ترامپ آغاز کرده‌اند برای مردم ایران فاجعه‌آور بوده است. این جنگ باعث کُندی مبارزهٔ نیروهای مترقی چپ و ملی و جنبش کارگری در راه آزادی و عدالت اجتماعی شده است.

برای حزب ما و همهٔ نیروهای ملی و ترقی‌خواه دیگر روشن است که امروز وظیفهٔ ما مقابله با تجاوز امپریالیسم به ایران، حفظ استقلال و حاکمیت ملی، و در عین حال ادامه دادن به مبارزه با سرکوب و حکومت دیکتاتوری و پشتیبانی از حرکت‌های حق‌طلبانهٔ زحمتکشان است.

در صلح پایدار است که می‌توان نبرد داخلی را، بدون دخالت خارجی، به‌طور مؤثری به پیش برد.

غرفهٔ »نامهٔ مردم «در جشنوارهٔ اومانیته

فضای دهکدهٔ جهانی جشنوارهٔ اومانیته با حضور بیش از ۱۰۰ غرفه از کشورهای جهان آکنده از ندای پشتیبانی از مبارزهٔ مردم فلسطین، کوبا، ایران، سودان، و مبارزات در حال

ادامه در صفحه ۸

ادامهٔ غرفهٔ «نامهٔ مردم »در فستیوال‌های ...

گسترش در آمریکای لاتین (برزیل، شیلی، کلمبیا، و...) بود.

غرفهٔ »نامهٔ مردم «را گروهی از فعالان توده‌ای اداره می‌کردند، از رفقای هوادار و دوست حزب گرفته تا اعضای خانوادهٔ آنها. فعالان توده‌ای با کوششی بی‌وقفه از صدها مهمان غرفه و عدهٔ بی‌شماری از بازدیدکنندگان غرفه پذیرایی کردند و دیدگاه‌های حزب را با آنها در میان گذاشتند.

امسال پرچم مبارزه برای صلح واقعی و پایان دادن به اوضاع خطرناکی که ایران و منطقه را تهدید می‌کند بر فراز چادرهای محل برپایی غرفهٔ حزب تودهٔ ایران در قلب جشنواره، در مسیری که خیابان »چه‌گوارا «نام داشت، در اهتزاز بود. غرفهٔ حزب امسال محل تجمع رفقا و دوستان ایرانی و رفقای کمونیست و مبارزی بود که از فرانسه و دیگر کشورهای جهان به جشنواره آمده بودند.

رفقای توده‌ای ساکن فرانسه و اروپای غربی و رفقایی که به شوق دیدن همرزمانشان و کمک کردن به حزب در ادارهٔ غرفه از راه‌های دورتر به پاریس آمده بودند، غرفهٔ »نامهٔ مردم «را با شور و امید فراوان به محل تجمع و بحث‌های رفیقانهٔ صدها هم‌میهن و مبارز صلح‌خواه و ترقی‌خواه ایرانی و غیرایرانی تبدیل کردند.

همه نگران آیندهٔ میهن و سرانجام جنگی‌اند که نتانیاهوی جنایت‌کار و دولت راست افراطی حاکم بر آمریکا 15 ماه پیش شروع کردند. همه در این فکرند که چگونه می‌توان قبل از اینکه این جنگ ایران و همهٔ منطقه را به آتش بکشد، به این ماجراجویی خطرناک پایان داد.

فقط هموطنان ایرانی نبودند؛ هر رفیق و بازدیدکننده‌ای که به غرفهٔ »نامهٔ مردم «می‌آمد می‌خواست بداند که نظر حزب تودهٔ ایران در مورد راهی که می‌توان آتش‌بس و صلح شرافتمندانه‌ای را برقرار کرد چیست، راهی که تضمین‌کنندهٔ پایان ماجراجویی‌های ترامپ و نتانیاهو و متحدان ارتجاعی آنها در منطقه باشد.

روز شنبه ۲۱ شهریور گروه پُرشماری از رفقای افغان هنوز از غرفه خارج نشده بودند که هیئت هفت‌نفرهٔ رفقای رهبری حزب کمونیست کردستان-عراق همراه با دبیرکل حزب به دیدار ما آمدند. رفقای کمونیست عراقی که در همسایگی غرفهٔ ما فعالیت می‌کردند و یاری‌شان مثل همیشه بی‌بدیل بود گروه گروه از غرفهٔ ما بازدید می‌کردند. رفقای کمونیست سودانی، فرانسوی، ونزوئلائی، و... برای اعلام همبستگی با ما و گفت‌وگو دربارهٔ تحولات ایران به دیدار ما آمدند.

جشنوارهٔ اومانیته همچنین فرصت مغتنمی بود برای دیدار و گفت‌وگو و تبادل‌نظر رفقای توده‌ای با رفقای رهبری و فعالان حزب چپ ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دربارهٔ تحول‌های سیاسی ایران و همفکری برای پیدا کردن راه‌های ممکن برای نزدیک‌تر شدن به یکدیگر و اتحاد عمل.

برگزاری موفق میزگرد »صلح در خاورمیانه «حزب‌های کمونیست منطقه در غرفهٔ »نامهٔ مردم«

امسال هم حزب تودهٔ ایران با دعوت کردن از حزب‌های کمونیست منطقه که در جشنواره شرکت داشتند، سمیناری در ارتباط با صلح در منطقه و راه‌های همکاری متقابل در منطقه تدارک دید. در این سمینار موفق که بیش از دو ساعت ادامه داشت رهبران و کادرهای برجستهٔ حزب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست لبنان، حزب کمونیست سودان، حزب کمونیست عراق، حزب مردم فلسطین، و حزب تودهٔ ایران حضور داشتند. هیئت نمایندگی پُرتعداد رفقای افغان نیز در این سمینار حضور داشت. در بخش پیشنهادها و بحث، رفیق مسئول امور بین‌المللی با اظهار خشنودی از حضور در این سمینار موفق در مورد همکاری برای حضور رفقا در چنین سمینارهایی نکات مهمی را مطرح کرد. سمینار با سؤال و جواب برخی از حاضران به پایان رسید.

(بخش‌هایی از این گفت‌وگو و میزگرد در شمارهٔ آیندهٔ »نامهٔ مردم «منتشر خواهد شد.)

غرفه نامه مردم در جشنواره ندای مردم -حزب کمونیست اتریش

رفقا و هواداران حزب تودهٔ ایران با شرکت درجشنواره " ندای مردمِ" حزب کمونیست اتریش، این بار نیز غرفه حزب مان را برپا کردند. این جشن مردمی امسال درروزهای ۵ و ۶ سپتامبر ۲۰۲۶ برابر با ۱۴ و ۱۵ شهریور ۱۴۰۵ در شهر وین برپا گردید و طبق آمار داده شده ده‌ها هزار نفر بخصوص جوانان در این جشن مردمی شرکت کردند.

رفقای ما با برگزاری میز کتاب، نشریات و پخش اعلامیه های متعدد حزب به زبان‌های فارسی و آلمانی، " توده اینفو" و همچنین آخرین بیانیه " تشکیلات دموکراتیک زنان ایران" با دیدارکنندگان (ایرانی، اتریشی، و دیگرملیت ها) ازغرفه حزب به بحث و گفتگو پرداختند. در رأس این گفتگوها مسائل روز درایران، ازجمله جنگ تجاوزگرانه آمریکا و متحدانش علیه ایران، تشدید جو اختناق، اعدام‌ها، سرکوب دگراندیشان، آزادی برای زندانیان سیاسی، وضع قهقرایی اقتصادی و معیشت مردم، مبارزه کارگران، زنان و سایر قشرهای اجتماعی و همچنین ضرورت برقراری و دفاع از صلح در منطقه و جهان، قرار داشتند. غرفه حزب با شعارهای: "فرخند باد هشتادوپنجمین سالگرد بنیادگذاری حزب تودهٔ ایران"، "علیه جنگ، برای صلح"، "آزادی برای همه زندانیان سیاسی درایران"، و پلاکاردهای بی شمار حزبی، ازجمله به مناسبت "هشتادوپنجمین سالگرد فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی به دست جمهوری اسلامی"، "چهارمین سالگرد جنبش زن، زندگی، آزادی"، "اعدام ها را متوقف کنید!"، و جز این‌ها، تزئین شده بود. در هردو روز همچنین آهنگ ها وسرودهای حزبی و انقلابی به زبان های فارسی، آلمانی، اسپانیایی و روسی از بلندگوهای نصب شده در غرفه پخش می‌گردید. امسال خوشبختانه عدهٔ زیادی از دختران و پسران جوان وخانواده های جوان ایرانی در میان دیدارکنندگان از غرفه حزب بودند که در مورد اوضاع و وقایع

ادامه در صفحه ۱۱

خیزشِ مهارپذیرِ یک حزب فاشیست در آلمان

گزارشی از انتخابات اخیر ایالت‌های آلمان و کوشش نیروهای فاشیست برای گرفتن قدرت سیاسی در این ایالت‌ها و مقاومت نیروهای ضدفاشیست و نیروهای مترقی آلمان در رویارویی با این نیروها.

با آگاهی از پیروزی قاطع انتخاباتی یک حزب سیاسی فاشیست در ایالتی که زمانی بخشی از آلمان سوسیالیستی بود، بی‌درنگ این سخنان هراس‌انگیز به ذهنم رسید: "زهدانی که این از آن خزید هنوز بارور است." این جملهٔ پایانی نمایشنامهٔ درخشان برتولت برشت به نام "خیزشِ مقاومت‌پذیرِ آرتورو اوئی" است که او در سال ۱۳۲۰ (۱۹۴۱) در محکومیت رژیم هیتلر نوشت.

آنچه در ایالت آلمانی "زاکسن-آنهالت" در انتخابات این هفته با کسب ۴۳٫۷۹ درصد رأی‌ها از سوی حزب راست افراطی "آلترناتیو برای آلمان" رخ داد تأییدی تلخ بر هشدار برشت است. اما چرا آنجا، و چرا اکنون؟ پاسخ‌ها چندان روشن نیستند، اما رازآمیز و دست‌نیافتنی هم نیستند.

نخست، به اندازهٔ کافی و به‌گونه‌ای کارآمد از خیزش مهارپذیر حزب "آلترناتیو برای آلمان" جلوگیری نشد. در واقع، سیاست‌های غالب بر حزب‌های حاکم آلمان، چه "اتحادیهٔ دموکرات مسیحی" (CDU)و چه حزب "سوسیال دموکرات آلمان" (SPD)به افزایش بیگانگی، اضطراب، و خشم در میان توده‌های مردم یاری رسانده‌اند. این امر به‌ویژه دربارهٔ ایالت‌های جمهوری دموکراتیک آلمان پیشین صدق می‌کند. در همهٔ این ایالت‌ها در مقایسه با همتایان‌شان در غرب، پشتیبانی از حزب آلترناتیو برای آلمان بسیار بیشتر است.

راه‌کار ایجاد یک "دیوار آتشین" (Brandmauer)برای خودداری از هرگونه همکاری با حزب "آلترناتیو برای آلمان"، در عمل راهی کارآمد برای ایستادگی در برابر این حزب از کار درنیامد. پس از ۳۰ سال رفتار با مردم شرق آلمان همچون شهروندانی درجه دو، کنار گذاشتن رأی‌دهندگان حزب "آلترناتیو برای آلمان" را از میدان سیاست، تنها به دلیل گرایش سیاسی‌شان، به‌جای تضعیف این حزب پافشاری و نارضایتی هوادارانش در شرق را بیشتر کرده است.

آلمان همچنان، مانند گذشته، کشوری است که شکاف‌های سیاسی و اقتصادی ژرفی آن را به دو پاره تقسیم کرده است. وحدت دوبارهٔ کشور (die Wende)در سال‌های چند دههٔ پیش نتوانست شرق و غرب را به‌درستی به هم نزدیک کند چه رسد به اینکه آن‌ها را یکپارچه سازد. "شرقی‌ها" (Ossies)و "غربی‌ها" (Wessies)هنوز تا اندازهٔ زیادی در دو جهان سیاسی و اقتصادی جدا از هم زندگی می‌کنند، دو جهانی که از یک سو خودبرتربینی و رفتارهایی شبیه رفتار استعماری و از سوی دیگر نارضایتی‌ها و گلایه‌های واقعی، از یکدیگر جداشان کرده است.

آنچه زمانی شکافی در سطح زندگی مردم بود، اکنون به شکافی عمیق تبدیل شده است. برای نمونه، تولید ناخالص داخلی سرانهٔ سالانه در "بایرن" (Bavaria)به ۶۸،۶۱۹ دلار می‌رسد، در حالی که این رقم در "زاکسن-آنهالت" (Saxony-Anhalt)که کم‌ترین میزان را در میان ایالت‌ها دارد، به۴۲٬۴۷۱ دلار می‌رسد. درآمد کارکنان در شرق آلمان حدود ۸۰ تا ۸۶ درصد درآمد همتایان‌شان در غرب است.

کارکنان در ایالت غربی "بادن-وورتمبرگ" (Baden-Württemberg)به‌طور میانگین ۲۳ درصد بیشتر از کارگران "مکلنبورگ-فوریومرن" (Mecklenburg-Vorpommern)درآمد دارند، ایالتی ساحلی در شمال‌شرقی آلمان که انتخاباتش در ۲۹ شهریور (۲۰ سپتامبر) برگزار خواهد شد و نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند حزب "آلترناتیو برای آلمان" دست‌کم ۳۷ درصد رأی‌ها را به‌دست خواهد آورد.

نرخ بیکاری در شرق آلمان حدود ۸/۱ درصد است، در حالی که این نرخ در غرب حدود ۶/۱ درصد است. نرخ فقر در شرق، که اکنون به بیش از ۲۰ درصد رسیده، همواره از غرب بالاتر بوده است. در غرب این نرخ اکنون کم‌تر از ۱۵ درصد است.

با وجود این نابسامانی‌های اقتصادی، "فریدریش مرتس"، صدراعظم کنونی و هم‌حزبی‌هایش در حزب "دموکرات مسیحی آلمان" (CDU)پیشنهاد کرده‌اند از دامنهٔ حمایت‌های اجتماعی بکاهند، مقررات مرخصی استعلاجی یا بابت ناخوشی را سخت‌تر کنند، کمک‌های مالی به خانواده‌ها را کاهش دهند، و شیوهٔ پرداخت مستمری‌های بازنشستگی را تغییر دهند.

مِرتس که چندین میلیون دلار ثروت دارد گفته است: "دولت رفاهی، آن‌گونه که آن را می‌شناختیم، دیگر قابل تأمین مالی نیست." مرتس وکیل شرکت‌ها و رئیس پیشین شاخهٔ آلمانی "بلک‌راک" (BlackRock)بوده است. "بلک‌راک" بزرگ‌ترین شرکت مدیریت دارایی جهان با بیش از ۱۵ تریلیون دلار دارایی است. مرتس در کتابش به‌نام "سرمایه‌داری بیشتر، با جسارت بیشتر" بی‌پرده از سرمایه‌داری انحصاری دفاع می‌کند. نظامیگری نیز جایگاه بالایی در برنامهٔ امپریالیستی مرتس دارد. بودجهٔ نظامی پیشنهادی او برای سال آینده - ۲۰۲۷- ۱۲۵ میلیارد دلار است، بودجه‌ای که نسبت به بودجهٔ سال جاری- ۲۰۲۶- افزایشی ۳۳ درصدی را نشان می‌دهد. او در آغاز کار سیاسی خود در دولت ملی اعلام کرد: "دولت من همهٔ منابع مالی لازم را در اختیار ارتش آلمان خواهد گذاشت تا به نیرومندترین ارتش متعارف در اروپا تبدیل شود."

جای شگفتی نیست که حزبِ او، حزب "اتحادیهٔ دموکرات مسیحی"، در انتخابات زاکسن-آنهالت شکست سختی بخورد و فقط ۱۷٫۲۳ درصد از رأی‌ها را به‌دست آورد، یعنی سهم رأی‌های این حزب در قیاس با انتخابات پیشین ۱۹٫۹ واحد درصد کاهش یافت. پیش‌بینی می‌شود این حزب همراه با حزب "سوسیال دموکرات آلمان" در انتخابات آیندهٔ مکلنبورگ-فورپومرن که در ۲۹ شهریور (۲۰ سپتامبر) برگزار خواهد شد نیز با کاهش چشمگیر رأی‌ها رو به رو شود.

در شرق، نشانه‌ای از امید برای نیروهای ضد فاشیست و ضد سرمایه‌داری از برلین سر برمی‌آورد. با توجه به نظرسنجی‌ها پیش‌بینی می‌شود حزب "چپ" (Die Linke)در انتخابات ۲۹ شهریور (۲۰ سپتامبر) حدود ۲۰ درصد رأی‌ها را بتواند به‌دست آورد، سهمی که آن را در جایگاه نخست بین حزب‌های سیاسی حاضر در انتخابات قرار می‌دهد. این احتمال جدی وجود دارد که "الیف ارالپ" (Elif Eralp)، یکی از رهبران برجستهٔ حزب "چپ"، شهردار بعدی برلین شود و جای کای وگنر (Kai Wegner)، شهردار رسواشدهٔ وابسته به حزب "اتحادیهٔ دموکرات مسیحی((CDUرا بگیرد. "الیف ارالپ" دختر یکی از فعالان سندیکایی در ترکیه است. او نیز راه این فعالان سندیکایی را ادامه داده و با صراحت با نژادپرستی مخالف است و از فراهم کردن مسکن با هزینهٔ مناسب برای مردم پشتیبانی می‌کند. "الیف ارالپ" در کارزار انتخاباتی‌اش که رویکردی ترقی‌خواهانه دارد، گفت: "من نمی‌خواهم آبَربنگاه‌های خرید و فروش ملک تعیین کنند برلین در چه مسیری توسعه یابد"، بر این باورم که برلینی دیگر ممکن است، برلینی که در آن همه از پس پرداخت هزینهٔ مسکن بتوانند برآیند.

پس از اعلام پیروزی حزب "آلترناتیو برای آلمان" در انتخابات زاکسن- آنهالت بی‌درنگ در برلین، پوتسدام، مونستر، گوتینگن، درسدن، فرانکفورت، آخن، بامبرگ، دارمشتات، هاله و جاهای دیگر اعتراض‌های گستردهٔ ضد فاشیستی برگزار شد، واقعیتی که امید بیشتر به آینده از آن ناشی می‌شود.

روی یکی از پلاکاردهای این اعتراض‌های گسترده نوشته شده بود: "رنگین‌کمان رنگ قهوه‌ای ندارد." رنگ قهوه‌ای، البته، به رنگ لباس اعضای حزب "ناسیونال‌سوسیالیست کارگران آلمان" (NSDAP)، یعنی حزب "نازی"، اشاره دارد. حزب "آلترناتیو برای آلمان" رنگ آبی را رنگ رسمی خود می‌داند. شاید بد نباشد یادآوری کنیم که در زبان عامیانهٔ آلمانی وقتی می‌گویند کسی "آبی" است یعنی بیش از اندازه مست است.

برای کسانی که بیش از اندازه مست قدرت شده‌اند تشنگی آن اکنون بار دیگر به‌شکلی خطرناک در آنان بازگشته است، میانه‌روی سیاسی دیگر گزینه‌ای نیست. برای مردم آلمان، مردمی که اکثر آنان "فاشیسم" را آیندهٔ کشورشان نمی‌دانند پیام روشن است: همبستگی تا همیشه!

زهدانی که حزب آلترناتیو برای آلمان از آن سربرآورد برای همیشه باید نابارور شود.

[به نقل از: "جهان مردم"، نشریهٔ حزب کمونیست آمریکا- ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۶ (۱۹ شهریور)].

توضیح: نویسنده این مقاله، "ورنر لانگه"، در آلمان متولد شد، در یانگستاون ایالت اوهایو پرورش یافت، از "دانشگاه گوته" در فرانکفورت فارغ‌التحصیل شد و در سال‌های دهه ۱۹۸۰ / ۱۳۵۹ مدتی در "جمهوری دموکراتیک آلمان" فعالیت کرد. او در حال حاضر استاد بازنشستهٔ جامعه‌شناسی و مطالعات دینی است که در چندین دانشگاه، عمدتاً در دانشگاه ایالتی کنت، تدریس کرده است.

سیلاب‌های ویرانگر برای دومین بار نپال را دربر گرفتند

کاتماندو، نپال- در پی فاجعهٔ سیلاب ناگهانی که همچنان در مرز نپال و چین در حال گسترش است دست‌کم ۳۸۹ نفر جان باخته‌اند و ۱۴۰۰ نفر مفقود شده‌اند و انتظار می‌رود شمار قربانیان باز هم افزایش یابد. اندکی پس از ساعت ۸:۳۰ صبح روز ۴ شهریور (۲۶ اوت)، دیواری از آب، یخ، و سنگ با شدت از درهٔ رودخانهٔ بهوتِ کوشی در مرز شمالی نپال با تبت به سمت پایین سرازیر شد.

این دومین بار در طول ۱۴ ماه گذشته است که سیلاب از همین دره سرازیر شده و همان پل، همان بزرگراه، و همان شهر مرزی را از بین برده است. مقام‌های نپالی، پژوهشگران محیط‌زیست، و ساکنان این دره بیش از پیش بر این باورند آنچه در اینجا بارها رخ می‌دهد حاصل بدشانسی یا رویدادی پیش‌بینی‌ناپذیر در طبیعت نیست، بلکه نتیجهٔ ساخت‌وساز و شکل‌گیری محیطی است که مستقیماً در مسیر خطرناکی قرار گرفته که اکنون طی اندکی بیش از یک سال دو بار رخ داده است.

منشأ این سیلاب در حدود ۳۵ کیلومتری بالادست، در ارتفاعات حوزهٔ آبریز لِنده خولا، قرار داشت. تودهٔ بزرگی از یخ و سنگ از دامنه‌ای جدا شد و به داخل رودخانه سقوط کرد، سدی شد، و مسیر رودخانه را مسدود ساخت. آب در پشت این تودهٔ آوار جمع شد تا اینکه سد فروریخت و حجم انباشته‌شدهٔ آب یکباره به سمت پایین‌دست رها شد. تقریباً هم‌زمان، زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۴/۴ ریشتر در سمت تبتی مرز ثبت شد. اینکه آیا این زمین‌لرزه باعث فروریختن سد شده است یا نه، هنوز مشخص نشده است و دانشمندان نپالی نیز در بیان این موضوع با احتیاط تأکید کرده‌اند چنین ارتباطی هنوز اثبات نشده است. حتی محل وقوع این فروریختگی نیز مورد اختلاف است: تحلیل مقدماتی تصویرهای ماهواره‌ای آن را در سمت نپالی مرز نشان می‌دهد، در حالی که تحلیلگران دیگر محل آن را در عمق خاک تبت قرار می‌دهند. ساعتی پس از آن، این سیلاب ناگهانی ایستگاه مرزی راسواگادی و پل دوستی چین و نپال- معروف به پل میتری- را که گذرگاه نپال به سوی چین است ویران کرد. سیلاب از تیموره، روستایی تجاری در منطقهٔ مرزی عبور کرد و محل احداث یک بندر خشک را که سال‌ها در دست ساخت بود درهم کوبید. سپس به سیابرّوبسی، شهرکی تجاری که جاده در آن به پایان می‌رسد و مسیر پیاده‌روی به درهٔ لانگتانگ از آنجا آغاز می‌شود، رسید. سیلاب همچنین حدود ۴۲ کیلومتر از بزرگراه پاسانگ لامو، تنها مسیر زمینی نپال به تبت، را با خود برد و به ظرفیت تولید حدود ۷۰۰ مگاوات برق‌آبی در امتداد رودخانه‌های بهوتِ کوشی و تریشولی آسیب رساند. سازمان گردشگری نپال تا زمان انتشار این گزارش اعلام کرد بسیاری از صدها نفری که هنوز از سرنوشتشان اطلاعی در دست نیست گردشگر هستند و اکثریت قریب‌به‌اتفاق آنان اتباع خارجی هستند زائرانی هندی که از کوه کایلاش بازمی‌گشتند، کوهنوردانی که عازم لانگتانگ بودند، و بازرگانانی که از مرز عبور می‌کردند. هر دو آمار موقتی بودند و تا روز پنجشنبه، با رسیدن تیم‌های نجات به منطقه‌های پایین‌تر همچنان افزایش می‌یافتند. گزارش‌های ثبت‌شده در دفتر پلیس ابعاد هولناک گسترهٔ سیلاب را نشان می‌دهد. از میان ۹۵ جسدی که در نخستین روز پیدا شد، تنها یک جسد در منطقهٔ راسوا، یعنی محل آغاز سیلاب، کشف شد. بقیهٔ اجساد از رودخانه، در فاصله‌ای بیش از ۲۰۰ کیلومتر پایین‌تر از محل وقوع سیلاب، بیرون کشیده شدند.

سیلابی که نپال پیش‌تر نیز شاهد آن بوده است

بیش از یک سال پیش، در۱۷ تیر ۱۴۰۴ (۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۵)، دریاچه‌های یخچالی سطحی واقع بر روی یخچال پورپورو در تبت، در ارتفاع حدود ۵٬۱۵۰ متری، به‌طور ناگهانی تخلیه شدند. تصویرهای ماهواره‌ای نشان داده بود که مساحت این مجموعهٔ دریاچه‌ها پیش از تخلیه به حدود ۶۳۸ هزار متر مربع رسیده بود. آن سیلاب، پل دوستی چین و نپال در راسواگادی را ویران کرد، به هفت پروژهٔ برق‌آبی که در مجموع حدود ۸ درصد از ظرفیت تولید برق نپال را تشکیل می‌دادند آسیب رساند، و دست‌کم ۲۸ نفر را کشت. همچنین حدود ۶۰ درصد از بندر خشک تیموره را تخریب کرد؛ تأسیساتی با بودجهٔ ۸/۲ میلیارد روپیه (۳ /۱۸میلیون دلار آمریکا) که با سرمایه‌گذاری چین در حال ساخت بود و تنها ۸ درصد پیشرفت کرده بود و قرار بود در اوایل سال ۲۰۲۶ افتتاح شود. انبارها، محوطه‌های پارکینگ، و دیوارهای حائل کنارهٔ رودخانه درهم کوبیده شدند. یکی از کارکنان گمرک محل پس از این حادثه گفت این تأسیسات "به وضعیتی بازگشته است که ده سال پیش داشت." سازمان آب رسانی و هواشناسی نپال تا زمانی که سیلاب سال ۲۰۲۵ به بتزواتی، در حدود ۶۰ کیلومتری پایین‌دستِ نقطه‌ای که آب از چین وارد خاک نپال شده بود نرسید، از وقوع آن مطلع نشد. در ۱۴ ماه فاصله میان آن سیلاب و سیلاب کنونی این شکاف در سامانهٔ شناسایی و هشدار هرگز برطرف نشد. نپال هنوز هیچ سازوکاری برای دریافت داده‌های هیدرولوژیکی لحظه‌ای از سمت چینی مرز ندارد. هنگامی که موج سیلاب وارد رودخانهٔ بهوتِ کوشی می‌شود، زمان موجود برای هشدار دادن به ساکنان منطقه‌های پایین‌دست تنها در حد چند دقیقه است. پل دوستی از آن زمان بازسازی و با نامی جدید، پل میتری (در زبان نپالی به معنای "دوستی" است)، دوباره افتتاح شده بود و بندر خشک نیز همچنان در حال تعمیر بود. هر دو، روز چهارشنبه، بار دیگر ویران شدند.

عملیات امداد

عملیات امداد ظرف چند ساعت آغاز شد و به دلیل تخریب جاده منتهی به محل فاجعه توسط سیل، عملیات به طور کامل متوقف شد. ارتش نپال، پلیس نپال و نیروهای مسلح پلیس بلافاصله به محل اعزام شدند و بالگردهای ارتش حامل تیم‌های پزشکی و هواپیماهای خصوصی در حالت آماده‌باش قرار گرفتند. دسترسی هوایی، در حال حاضر، تا حد زیادی تنها راه رسیدن به منطقه است.

نخست‌وزیر، بالندرا شاه، جلسهٔ سازمان ملی کاهش خطر بلایا و مدیریت بحران و سپس شورای ملی را تشکیل داد. هیئت دولت، شهرداری‌های آسیب‌دیده در مناطق راسوا، نوواکوت و دهادینگ را برای مدت سه ماه به‌عنوان منطقه‌های بحران‌زده اعلام کرد و بدین ترتیب امکان خریدهای اضطراری و دریافت کمک‌های خارجی فراهم شد. دولت دستور داد مجروحان از طریق بیمارستان‌های دولتی و مراکز درمانی ارتش به‌صورت رایگان درمان شوند، بر اساس قوانین موجود به خانواده‌های داغدار غرامت پرداخت شود، برای آوارگان غذا و سرپناه فراهم شود و جاده‌ها، برق، آب آشامیدنی و ارتباطات مخابراتی دوباره برقرار شوند. به ساکنان منطقه‌های کم‌ارتفاع در پایین‌دست نیز دستور داده شد به منطقه‌های مرتفع‌تر منتقل شوند.

چشم‌اندازی که بر اساس احتمال خطر بازسازی شده است

پژوهشگرانی که توسعهٔ این منطقه را مطالعه می‌کنند آنچه را در اینجا رخ داده است نه یک حادثه یا صرفاً ناکامی در پیش‌بینی خطر، بلکه نتیجهٔ قابل پیش‌بینیِ الگویی از توسعه می‌دانند که رشد اقتصادی و منافع سرمایه‌گذاران خارجی را بر منافع مردمی که در منطقهٔ در معرض خطر زندگی می‌کنند در اولویت قرار می‌دهد. جغرافی‌دانان گِیلِن مرتن و آستین لُرد که سال‌ها به مطالعهٔ اقتصاد سیاسی زیرساخت‌های هیمالیا پرداخته‌اند استدلال می‌کنند این مردم، همراه با دیگر پژوهشگران، اغلب بر تصمیم‌های مربوط به زیرساخت‌ها و توسعه کم‌ترین نفوذ را دارند، تصمیم‌هایی که میزان در معرض خطر قرار گرفتن آنان در برابر بلایا را تعیین می‌کنند و بیش از پیش تحت تأثیر دولت‌های ثروتمندتر و سرمایهٔ بین‌المللی قرار می‌گیرند. رابطه میان مردم و رودخانه در اینجا همیشه این‌گونه نبوده است. سکونتگاه‌های سنتی تامانگ در این دره با هدف کاهش خطر سیلاب ساخته شده بودند: زمین‌های کشاورزی و شالیزارها اغلب در نزدیکی رودخانه قرار داشتند، جایی که نزدیکی به آب موجب حاصلخیزی آن‌ها می‌شد، در حالی که خانه‌های دائمی در ارتفاعات بالاتر دامنه‌های دره و دور از منطقه‌هایی که بیشتر در معرض سیلاب بودند ساخته می‌شدند. سیلاب به‌منزلهٔ رویدادی استثنایی که باید از میان برداشته شود تلقی نمی‌شد، بلکه همچون وضعیتی تکرارشونده در نظر گرفته می‌شد که محل استقرار سکونتگاه‌ها و شیوه‌های کشاورزی بر اساس آن سازماندهی می‌شدند. بااین‌همه، در ۷۰ سال گذشته، امر توسعه این رابطه را به‌طور اساسی دگرگون کرده است. جاده‌ها، مهاجرت از منطقه‌های روستایی و گذار از معیشت‌های کشاورزی به سوی اقتصادهای مبتنی بر دستمزد، محل زندگی و کار مردم را از نو سازمان داده‌اند. جاده‌ها اغلب در امتداد دشت‌های سیلابی ساخته می‌شوند، زیرا احداث آن‌ها در این مسیرها آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر است؛ سپس خانه‌ها و کسب‌وکارها نیز در امتداد جاده شکل می‌گیرند و منطقه‌های مسکونی دقیقاً در محل‌هایی متمرکز می‌شوند که بیشترین میزان آسیب‌پذیری در برابر سیلاب را دارند. به‌گفتهٔ پژوهشگران و مقام‌های محلی، آنچه پدیدار شده است صرفاً افزایش آسیب‌پذیری فیزیکی نیست، بلکه دگرگونی در شرایط اجتماعی و اقتصادی‌ای است که در وهلهٔ اول آسیب‌پذیری را باعث می‌شوند. بر اساس یک معیار جهانی، نپال مسئول انتشار تقریباً ۰۵/۰ درصد از انتشار کنونی دی‌اکسید کربن جهان و ۰/۰۱ درصد از انتشار تجمعی آن از سال ۱۷۵۱ / ۱۱۳۰ خورشیدی تا کنون است. هر شهروند نپالی به‌طور متوسط سالانه ۶۳/۰ تُن دی‌اکسید کربن منتشر می‌کند. این کشوری است که تقریباً هیچ نقشی در گرمایش نداشته و اکنون با برچیدن برج‌های آب خود، پل‌ها، نیروگاه‌ها، درآمد تجاری، جاده‌ها و انسان های خود را به دلیل

ادامه در صفحه ۳

ادامهٔ غرفهٔ «نامهٔ مردم »در فستیوال‌های ...

مختلف در ایران و جهان از دید حزب ما مایل بودند مطلع شوند. بحث آزاد پیرامون مسائل حاد در ایران، برنامه اصلی روز دوم در غرفه حزب بود که با شرکت فعال رفقا و هواداران حزب برگزار گردید. در ابتدای این برنامه، یکی ازرفقا در سخنرانی کوتاه خود به توضیح مسائل روز ایران از جمله درباره جنگ خانمانسوز و تحمیلی امپریالیسم آمریکا و رژیم صیهونیستی اسرائیل علیه ایران و اثرات مخرب آن، وضع اسفناک معیشتی مردم و تشدید سرکوب و اختناق و اعدام‌ها در ایران از جانب رژیم ولایت فقیه پرداخت. در ادامه برنامه هواداران و رفقا به بحث و گفتگو درمورد مسائل یاد شده در بالا و تحلیل و تعمیق آن در رابطه با سیاست های امپریالیستی آمریکا و متحدینش از یک طرف و سیاست های ضد مردمی رژیم ولایی از طرف دیگر نشستند. این تبادل نظرها که بیش از دو ساعت بطول انجامید، سرانجام در فضای دوستانه و با روح همبستگی با مبارزات مردم ایران برضد جنگ و دیکتاتوری حاکم در ایران به پایان رسید. قابل توجه است که این بار نیز غرفه حزب در هردو روز محلی برای دیدار و تبادل نظر دوستان، رفقا و هواداران حزب، چه ایرانی و یا از سایر ملیت ها، با دیدگاه های متفاوت بود. در روز دوم این جشنواره همچنین یکی از از رفقا از طرف "تشکیلات دموکراتیک زنان ایران" به دعوت رفقای زن حزب کمونیست اتریش و فراکسیون احزاب چپ در پارلمان اتحادیه اروپا، در میزگرد برقرار شده برای گفت وگو در زمینه "همبستگی با قربانیان جنگ تحمیلی" شرکت کرد. سخنرانان شرکت کننده در این گردهمایی ازجمله از ایران، فلسطین، اسرائیل، آمریکای لاتین، چپ های اروپایی، اتریش، و جز اینان بودند.

رفیق شرکت کننده از طرف تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در کنار دیگر سخنرانان که هریک حدود ده دقیقه وقت برای سخنرانی داشتند، با اشاره به وضعیت نا مشخص "نه جنگ، نه صلح " در ایران درباره نکات زیر به طور مشخص توضیح داد: ۱) تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و متحدانش و ادامه این جنگ در شکل اقتصادی آن علیه ایران؛ ۲) اثرات شوم این جنگ تحمیلی و سیاست ضد مردمی رژیم ولایی بر وضعیت فاجعه بار اقتصادی و قرار گرفتن بیش از چهل درصد از مردم ایران در زیر خط فقر؛ ۳) تشدید اعدام ها و جو سرکوب و اختناق رژیم ولایی تحت لوای تجاوز بیگانه و پوشش بحران مشروعیت رژیم. این سخنرانی با اشاره به خواست مردم ایران که برقراری صلح است چندان که آینده میهن شان را در آرامش و بدون دخالت خارجی بتوانند پایه گذاری کنند به پایان رسید. این گردهمایی که شرکت کنندگان زیادی از آن استقبال کردند، بعد از حدود دو ساعت با بحث و گفتگو در زمینه اشکال مختلف دستیابی به صلح در اروپا و جهان به پایان رسید.

ادامهٔ مبارزه راهِ پیروزی است...

این تلاشی بود برای تغییری که امکان افزایش هزینه‌های زندگی، به‌ویژه قیمت غذا و سوخت و مسکن را محدود می‌کند.

این پیروزی نقطهٔ پایانی بود بر یورش به خدمات عمومی/دولتی برای از بین بردن سریع خدمات درمانی ملی به سود شرکت‌های خصوصی، بی‌توجهی به مدرسه‌های دولتی و افزایش نُخبه‌گرایی در آموزش، ضربه زدن به تأمین اجتماعی و ریختن صدها میلیون یورو از سهم بیمهٔ کارگران به جیب سرمایه‌های کلان، ایجاد به‌اصطلاح »مزایای اجتماعی واحد «که به حفاظت از زحمتکشان لطمه می‌زند و فقر زحمتکشان را مایهٔ شرم آنها می‌داند [گویا خود تهی‌دستان تنبل و مقصرند].

ما به تحمیل تغییری موفق شدیم که زندگی ما را از سیاست‌گذاری‌هایی نجات می‌دهد که به‌علت افزایش نرخ بهرهٔ بانک مرکزی اروپا بحران دسترسی به مسکن را شدیدتر می‌کند؛ از سیاست‌هایی نجات می‌دهد که کار شبکهٔ دولتی مهدکودک‌ها و برآورده کردن نیازهای سالمندان را مختل می‌کند.

ما به تحمیل تغییری موفق شدیم که یک بار برای همیشه به سیاست فاجعه‌باری پایان می‌دهد که به تضاد میان تأمین منافع کارگران و مردم از یک سو و توسعهٔ کشور از سوی دیگر دامن می‌زند، به سودورزی‌های بی‌وقفهٔ گروه‌های اقتصادی و چندملیتی غالب در سال‌های اخیر ادامه می‌دهد، و تمرکز و انباشت سرمایه و خروج سرمایه به خارج را تشدید می‌کند.

این سیاست‌های فاجعه‌بار راه را باز می‌کند برای خصوصی‌سازی و واگذار کردن شرکت‌های ملی (مانند شرکت هواپیمایی و راه‌آهن پرتغال) به سرمایهٔ خارجی، برای فعالیت دهها مورد مشارکت بخش‌های دولتی و خصوصی، برای سوداگری در املاک و مستغلات، برای دادن مزایای مالیاتی به گروه‌های اقتصادی و شرکت‌های خصوصی، و برای واگذاری دارایی‌های دولتی و دیگر منابع عمومی به بخش خصوصی، که برخلاف منافع ملی کشور، تا ده‌ها سال میلیاردها یورو به جیب سرمایه‌های کلان می‌ریزد.

ما این پرتغال را نمی‌خواهیم، به این پرتغال نیازی نداریم که در دست گروه‌های بزرگ اقتصادی و این سیاست‌های راست‌گرایانه باشد. ما نیازی به این طرح برای غارت منابع کشور نداریم؛ این برنامهٔ واپس‌گرای پسرفت و تسلیم و استثمار را، برنامهٔ مشترک حزب مردم و چگا و لیبرال را که حزب سوسیالیست هم از آن فاصله نمی‌گیرد، نمی‌خواهیم و به آن نیازی نداریم.

ما برای داشتن کشور و زندگی‌ای که سزاوارش هستیم، می‌خواهیمش، و به آن نیاز داریم، دست از تلاش برنخواهیم داشت. ما کشوری با بهترین مزد، بازنشستگی، خدمات عمومی، و استقلال ملی می‌خواهیم، به چنین کشوری نیاز داریم، و حق داریم چنین کشوری داشته باشیم. ما کشوری می‌خواهیم که در آن حقوق، کرامت، زمانی برای زیستن، زندگی بهتر برای کارگران، کارگرانی که جامعه لازم دارد، کسانی که ثروت خلق می‌کنند و چرخ‌های کشور را می‌چرخانند، داشته باشیم.

کشور ما به پیشرفت نیاز دارد، نه به پسرفت بیشتر؛ به سیاستی متفاوت، میهن‌دوستانه، و چپ‌گرا نیاز دارد.

این موضع حزب کمونیست است و همهٔ کسانی که زندگی بهتر، افزایش مزد و حقوق بازنشستگی، دفاع از خدمات عمومی، خدمات بهداشت و درمان ملی، و مسیر متفاوتی برای پرتغال می‌خواهند می‌توانند در این مبارزه با ما همراه شوند.

این مبارزه‌ای است که در این برهه به پیش می‌بریم. و برای موفقیت در این راه نقش حزب کمونیست پرتغال تعیین‌کننده است. تاریخ بیش از یک قرن فعالیت حزب ما این را ثابت می‌کند. در هر موقعیتی، در هر مرحله‌ای، در شرایط دشوار، وقتی دیگران تعلل می‌کنند یا تسلیم می‌شوند، حزب کمونیست پرتغال حاضر است. آنچه در سال گذشته رخ داد این واقعیت را به‌روشنی نشان داد.

حزب کمونیست پرتغال حزب تعیین‌کننده و اثرگذار در مبارزه برای شکست دادن اصلاحات ارتجاعی قانون کار بود. حزب ما در افشا و محکوم کردن هدف‌های کارفرمایان بزرگ و ابزارهای آنها، روشن کردن و بسیج کردن کارگران، و گسترش آگاهی عمومی مردم از رابطهٔ میان این مبارزه و حملهٔ گستردهتر به شرایط زندگی‌شان سهم مهمی داشت.

حزب ما حزبی بود که مسیر مبارزه، خواستِ مشارکت، و اطمینان به پیروزی را نشان داد. ما حزبی ضروری در جامعه‌ایم. نمایندگی کردن آرمان‌های کارگران، جوانان، ملت، دموکراسی، حاکمیت ملی و استقلال، صلح، ارزش‌های [انقلاب] آوریل، و آرمان و برنامهٔ غلبهٔ انقلابی بر سرمایه‌داری از راه برقراری سوسیالیسم از نقش حزب ما جدانشدنی است.

به پیش، با اعتماد راسخ به توده‌ها، به قدرت کارگران، به خرد مردم، به جسارت و شادابی جوانان. مبارزه راهِ پیروزی است.

این مطلب، خلاصه شده ترجمه متن سخنرانی رفیق پائولو رایموندو، دبیرکل حزب کمونیست پرتغال در روز ۲۲ ژوئن ۲۰۲۶/ ۱ تیرماه ۱۴۰۵ است.

مبارزه راهِ پیروزی است

سخنرانی پائولو رایموندو، دبیرکل حزب کمونیست پرتغال

این رژهٔ پیروزی است، جشن کار و مقاومت و مبارزه است.

ما گفتیم: تسلیم نمی‌شویم، اصلاحات قانون کار شکست خواهد خورد، و شکست خورد. پیروزی بزرگی برای کارگران بود.

اکنون زمان آن است که بار دیگر به کارگران به‌خاطر مبارزه، پایداری، وحدت، و قدرتی که نشان دادند درود بفرستیم. تک‌تک کارگران بودند که با موضع‌گیری‌شان، با استواری و مبارزه‌شان، این پیروزی را ممکن ساختند. این رخداد بزرگ، با همهٔ درس‌هایی که به همراه دارد، برای حزب کمونیست پرتغال دلگرم‌کننده است. این رخداد امید و اطمینان زیادی به ما برای ساختن آینده می‌دهد. برای مبارزه‌ای که ادامه دارد، برای مزدهای بهتر، حقوق بازنشستگی و خدمات عمومی بهتر، و برای گشودن مسیری جدید برای آیندهٔ پرتغال به ما امید و اطمینان می‌دهد.

مبارزه راهِ رسیدن به پیروزی است و این پیروزی در مبارزهٔ کارگری اهمیت سیاسی عظیمی دارد. این پیروزی به‌واقع شکستِ طرح‌ها و برنامه‌های واپس‌گرایانه و ضدّدموکراتیک دولت ائتلافی PSD/CDS (حزب سوسیال دموکرات/حزب مردم) و همراهان آنهاست. این پیروزی نشان‌دهندهٔ قدرت عظیم سازمان‌دهی در مبارزه است. چنین پیروزی‌هایی امید به امکان مقاومت و پیروز شدن حتی در شرایط نامساعد را تقویت می‌کند؛ حقانیت مبارزه به‌عنوان عامل تعیین‌کننده و درستی تسلیم نشدن یا منتظر ماندن را ثابت می‌کند، چون فقط مبارزهٔ کارگری می‌تواند تعیین‌کننده باشد، و دیدیم که تعیین‌کننده بود. این پیروزی، و شکست خوردن تزها و رهنمودها و طرح‌های اروپای سرمایه‌داری، اهمیت بین‌المللی زیادی نیز دارد.

از ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۵ [۲ مرداد ۱۴۰۴]، کارگران در واکنش به اعلام جنگی که به آنها شده بود حتی یک روز هم دست از تلاش برنداشتند. این ۳۳۰ روز سرشار از مقاومت و مبارزه، اتحاد، و قدرت‌نمایی بود، و سرانجام کارگران توانستند بر دولت و همهٔ آنهایی غالب شوند که برای حمایت از اصلاحات قانون کار و پیشرد آن دست به هر کاری می‌زدند. این ۳۳۰ روزی بود که تلاش‌های کسانی را بی‌ثمر گذاشت که خود را مالک همه‌چیز می‌دانند، و پیروزی کارگران را به ارمغان آورد.

کارگران کاری کردند که صدایشان را بشنوند و قدرتشان را ببینند. در هزاران نشست عمومی، همایش‌های کارگران، اقدامات اعتراضی، و پویش‌های آگاهی‌بخشی همین وضع دیده می‌شد. در هزاران گفت‌وگو، نشست، سند، و تماس، در سرما و گرما، زیر باران، در شب و روز و صبح‌های زود، در تظاهرات ۲۰ سپتامبر، راه‌پیمایی سراسری ۸ نوامبر، اعتصاب عمومی ۱۱ دسامبر، و تظاهرات ۱۳ ژانویه و با جمع شدن بیش از ۱۹۰٬۰۰۰ امضا بود که این پیروزی رخ داد. در تظاهرات ۲۸ و ۱۷ آوریل، در جشن‌های ۲۵ آوریل، در روز بزرگ مبارزه- روز اول ماه مه- و در اعتصاب عمومی ۳ ژوئن نیز همین وضع را شاهد بودیم. در تجمع ۱۸ ژوئن در مقابل مجلس جمهوری در گرمای سوزان، و با شرکت رهبران سندیکایی و نمایندگان سندیکاها و اتحادیه‌ها و دیگر نمایندگان کارگری، در جمعهٔ گذشته، در تالارهای مجلس جمهوری، و در هنگام رأی‌گیری دربارهٔ اصلاحات قانون کار همین مبارزه آشکارا دیده می‌شد.

این پیکار یکی از نفس‌گیرترین تلاش‌ها در مبارزهٔ کارگران پرتغال بود. مبارزه‌ای بود که آگاهی کارگران از یورش به حقوق کارگران را افزایش داد. مبارزه‌ای بود که دولت ائتلافی PSD/CDS و همهٔ آنهایی را شکست داد که از همان ابتدا آشکارا از این یورش حمایت می‌کردند. این مبارزه، هم در آنچه طی ماه‌های پیش از رأی‌گیری درگیرش بود، و هم در نمودی که در روزهای بحث و رأی‌گیری در مجلس جمهوری داشت، و هم در آنچه در صورت ادامه یافتن آن پیش‌بینی می‌شد، مبارزه‌ای پُرقدرت بود که برخی را مجبور کرد تصمیم بگیرند کاری را بکنند که هرگز فکرش را نمی‌کردند و نمی‌خواستند. این مبارزه‌ای بسیار اثرگذار بود که آنها را مجبور کرد برخلاف گفته‌های روزهای قبل خودشان، چارهٔ دیگری جز رأی دادن علیه اصلاحات قانون کار نداشته باشند.

این مبارزه‌ای بود که نشان داد کنفدراسیون عمومی کارگران پرتغال (CGTP-IN)، کنفدراسیون بزرگ اتحادیه‌های کارگری پرتغال [و نزدیک به حزب کمونیست پرتغال]، چه نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد مبارزه و وحدت زحمتکشان دارد. کنفدراسیون در این روند شگفت‌انگیز مشارکت کرد و ضامنی استوار برای دفاع از حقوق کار و بهبود شرایط زندگی کارگران بود. و از این تریبون بار دیگر به کنفدراسیون عمومی کارگران پرتغال (CGTP-IN)، جنبش واحد سندیکایی، و همهٔ اتحادیه‌ها و سندیکاها و نهادهایی که به این مبارزه پیوستند ادای احترام می‌کنیم؛ درود فراوان به شجاعت، عزم، پایداری، و مشارکت همهٔ آنها در وحدت عمل کارگران.

ما اصلاحات ارتجاعی قانون کار را شکست دادیم؛ ما کاری را کردیم که خیلی‌ها غیرممکن می‌دانستند. البته آنها ممکن است باز هم تلاش کنند، ممکن است باز هم بکوشند آنچه را که این بار نتوانستند پیش ببرند دوباره مطرح کنند. ممکن است مانورها یا ترفندهای جدیدی به کار بگیرند برای اینکه مزدها را کم کنند، زمینهٔ اخراج‌های ناعادلانه را فراهم کنند، پراکنده‌کاری و کار ناپایدار را ترویج دهند که ناامنی شغلی و معیشت را افزایش می‌دهد، مقررات حاکم بر ساعت‌های کار را از بین ببرند، کار بدون مزد را تحمیل کنند و زندگی شخصی و خانوادگی کارگران را به جهنمی زنده تبدیل کنند، و حقوق قانونی مادران و پدران را پایمال کنند که اساس حقوق کودکان است. آنها ممکن است باز هم تلاش کنند به حقوق جمعی کارگران یورش ببرند، امکان مذاکره و چانه‌زنی جمعی را ضعیف کنند، به حق تجمع و مشارکت و اطلاع‌رسانی اتحادیه‌های کارگری لطمه بزنند، و حق اعتصاب را محدود کنند.

البته که می‌توانند باز هم تلاش کنند. اما باز هم با قدرت، سازمان‌دهی، و وحدت عمل کارگران روبه‌رو خواهند شد، زیرا این مبارزه فقط موفقیت در شکست دادن اصلاحات قانون کار نبود، بلکه پیروزی بزرگی در گسترهٔ اجتماعی و سیاسی و ایدئولوژیک بود. مبارزه و قدرت سازمان‌یافتهٔ کارگران راه را برای در هم شکستن جبههٔ مقابل و تغییر دادن آنچه لازم است باز کرد.

این تلاشی بود برای تغییر دادن سیاست‌گذاری‌های تابع اتحادیهٔ اروپا و امپریالیسم برای بازگرداندن یک‌جانبهٔ قدرت با توسل به برنامه‌ای واپس‌گرا، نولیبرال، و ضدّاجتماعی که حقوق و آزادی‌های دموکراتیک و قانون اساسی جمهوری پرتغال را هدف قرار می‌دهد.

ادامه در صفحه ۱۱

کمک‌های مالی رسیده

به‌یاد جانباختگان فاجعه ملی رفیق ف مدرس	۵۰ یورو
به‌یاد کودکان میناب و عروسی سیریک رفیق فرهاد	۱۰۰ یورو
به‌یاد رفقا رحمان هاتفی و فاطمه مدرسی رفیق خ. پ.	۱۰۰۰ دلار

آدرس سایت حزب: http://www.tudehpartyiran.org
ای-میل حزب: E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de
تلگرام حزب: https://t.me/tudehpartyirandotorg
فیس بوک حزب: https://www.facebook.com/profile.php?id=100064514717426
توییتر حزب: https://x.com/OfficialTudeh

For Peace, Independence, Democracy, Social Justice and Socialism

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran

"Nameh Mardom" No. 1269, 21 September 2026
Central Organ of the Tudeh Party of Iran